ستارهٔ سینما

ریال ۶

شماره ۶

قیمت بلیط سینمارا گران‌تر نکنید

... بلیطهای سینما گران می‌شود ! سینماها میخواهند اعتصاب کنند! «بعضی» از آنها بااعتصاب‌مخالفند! عوارض فیلمها ازصدی ۲۵ به‌صدی ۴۰ ارتقامییابد ! حتی عوارض فیلمهای‌فارسی زیاد میشود !.. در اواخر هفته گذشته واوائل این هفته، غوغا وهیجان بیسابقه‌ای در میان سینماهاافتاده‌بود . شایعات گوناگون مخلوط بابعضی‌حقایق تلخ ، دهان بدهان‌میگشت وهمه‌میخواستند بدانند که بالاخره این‌قضیه بغرنج بکجا خواهد انجامید . سرنوشت گران شدن بلیط و عوارض فیلمها که طبیعتا بطورغیر مستقیم از مردم اخذ میشود ، مایه اضطراب مدیران سینما ها وآنهائیکه بفیلم وسینماعلاقه‌دارند،شده بود . هم مدیران سینماها(البته آنهائیکه بیشتر درکارخود تجربه دارند ونتیجه این‌تغییر وتبدیلات را بهتر میدانند) وهم‌مردم سینمارونگران شده‌اند . مردم ازاین جهت که دیگراین تفریح‌ارزان قیمت‌هم ازدست آنها گرفته میشودوبجای‌پانزده ریالی که فعلا برای‌یك‌بلیط‌درجه‌یك‌میپردازند ، مجبورمیشوند ۳۰ریال بپردازند. البته‌پرداخت این‌پول اضافی برای‌آنها شاق است وازطرفی نمیشود از رفتن بسینما صرفنظر کرد . این یك‌کار ذوقی است وجلوی ذوق را هم نمی‌توان گرفت. وضع در آمد مردم درحال حاضر طوری نیست که بتوانند پول زیادی برای دیدن‌فیلمها بپردازند ودرنتیجه از رفتن بسینما (البته بالاجبار ونه ازروی میل) صرفنظر خواهندکرد یا اینکه بجای دوشب درهفته ، ماهی‌یکبار بسینما خواهندرفت ودرنتیجه اینکار موجب خسران وضررسینماها نیز میشود . وقتیکه مردم‌از رفتن بسینما خودداری‌کنند ،دیگربول بلیطی درکارنیست که شهرداری‌صدی ۴۰ عوارض آنرا وصول کند . اصولا تامین کسردر آمد شهرداری از سینما و فیلم کار عاقلانه‌ای نیست . باید راههای عملی‌تری پیداکرد که باصطلاح (نه‌سیخ بسوزدونه کباب).باتوجه بحقوق گمرکی وقیمت‌زیاد فیلمها وهزینه نمایش‌آنها و تهیه پروانه نمایش فیلم که برای بدست آوردن آن‌باید ازهفت خوان‌رستم گذشت تازه‌اگر بخواهند صدی‌چهل آنراهم بعنوان عوارض‌وصول کنند دیگرچیزی باقی نمی‌ماندکه بتوان بوسیله آن فیلمهای جدیدتری واردکرد . درمورد فیلمهای ایرانی که مشکل چندبرابر میشود واین خود ضرر جبران ناپذیری برای سینمای بومی جوان ماست .

درجه بندی سینماها البته لازم است امانه باین‌شکل که بلیط آنهارا گرانترکنند ، بطوریکه مردم‌قادر بپرداخت وجه‌آن نباشند . درحال حاضر قیمت یك بلیط معمولی سینمای درجه اول ، کم‌پولی نیست که بشود بازهم‌آنرااضافه کرد. درکشورهای مترقی دنیا،مسئولین امور، بجای اینکه مثلاسینمائی مثل‌سینمای البرز یاپارك یاهما رادرجه دوم‌وسوم‌اعلام کنند، اصولااجازه‌کاربآنهانمیدهندزیرا وجودچنین سالن های‌کثیف ومخروبه‌ای دریك پایتخت بزرك‌تنك بزرگی است . بجای اینکه سینماها رادرجه بندی‌کنید ودرنتیجه وضع آنها را بهمین منوال نگهدارید، بهتراست که بآن‌عده از سینماها که دردرجه دوم‌وسوم قرار دارند، تکلیف کنید که‌طبق آئین‌نامه‌های موجود ، درتهیه وسائل‌راحتی تماشاچیان‌وزیبائی وبهداشت‌سالن وتعویض دستگاههای نمایش‌فرسوده و خراب ، اقدام نمایند . این راه هم آسانتر است وهم اینکه بمردم صدمه‌ای واردنمیآورد . شنیده‌شده‌است بعضی ازسینماهارا (درجه‌اول) قلمداد کرده‌اند،درصورتیکه بخوبی معلوم‌است هیچکدام‌ازاینهارانمی‌توان درجه‌یك‌خواندزیرا وضع‌سالن زیاد مورد توجه‌نیست بلکه نمایش فیلمهای خوب و تازه وجالب بیشتر مورد درخواست‌مردم است واین سینماها هم مرتبا پشت سرهم فیلمهائی نمایش میدهند که از هیچ لحاظ قابل اهمیت نیستند . در هر صورت ، از اولیای مسئول انتظار تجدید نظر دراین‌تصمیم‌را داریم وبخوبی واقف هستیم که مردم‌هم دراینراه‌پشتیبان‌ماهستند

ستاره سینما

دارنده امتیاز : پ ـ گالستیان
زیر نظر : کاظم اسمعیلی
شماره‌ششم ـ چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۳۳
فعلا هردوهفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر میشود
اوقات اداری : از ۵ تا ۸ بعداز ظهر
محل اداره : خیابان منوچهری-پاساژلعل اشکوب سوم
بهای اشتراك سالیانه ۱۵۰ ریال
تکشماره ۶ ریال

مطالب این شماره

مقاله	صفحه
سرمقاله	۲
تازه‌ترین اخبار	۳
تکنیك های جدید	۴
آرمان	۵
بدینطریق فیلمی ...	۶
فیلمهائیکه بزودی...	۷
بیگانگان	۸
چرا سیلوانا منگانو...	۹
جرج پال	۱۰
آیااین هنرپیشگان...	۱۱
عجیب‌ترین فیلم ...	۱۲و۱۳
پاسخ خوانندگان	۱۴
رابرت میچم	۱۵
داستان(نیاگارا)	۱۶و۱۷و۱۸
مسابقات	۱۹
انتقاد فیلم	۲۰
آیا سینمای فرانسه ...	۲۲

عکس روی جلد
سیلوانا منگانو

صفحه ۹ را مطالعه فرمائید ...

تازه ترین اخبار سینما

هنرمند حقیقی

« اورسن ولز » هنرمند بی نظیر آمریکائی که مدتهاست کشور خودرا ترك گفته ، اکنون تمام اوقات خودرا درشهر های مختلف ایتالیا وفرانسه و انگلستان میگذراند .

فیلم اخیراو « اوتللو » بعقیدهٔ منقدین اثر بدی را که «ماکبث» او در ذهن مردم گذارده بود ، ازبین برده است «اورسن ولز » جزو آن دسته ازهنرمندان است که

از ایفای هیچ رلی رو گردان نیست،چنان که بعداز « اوتللو» کـه خودش تهیه و بازی کرده بود ، درفیلم «آخرین قضیه ترنت » رل سوم را در مقابل «مایکل ـ و ایلدینك»و« ماگارت لاکوود » هنر- پیشگان انگلیسی ، بعهده گرفت و نشان داد که هنرمند واقعی درهر لباس وشکلی می تواند نبوغ خودرا بروز دهد .

فستیوال برلن

تاکنون از ٦٥ کشوردنیا برای شرکت در فستیوال بین المللی فیلم برلن که از ١٨ تا ٢٩ ژوئن ١٩٥٤ (٢٨ خرداد تا ٨ تیر امسال) در برلن غربی منعقد خواهد شد ، دعوت بعمل آمده است. این چهارمین فستیوال سینمائی است که در آلمان تشکیل میگردد وازلحاظ معرفی فیلمها اهمیت به سزائی دارد .

روز ٢٦ ژوئن جائزه طلای «سلز- نیك » بیهترین فیلمی که ازطرف منقدین بین المللی انتخاب شود ، اعطاء خواهـد گردید .

چارلی چاپلین درانگلستان

« چارلی چاپلین » هنرمند کمیك که اخیراً از استراحت طولانی خود درسویس به انگلستان مراجعت کرده است ، هفته گذشته بامدیران استودیوی (پاین وود) ملاقات کرده واز استودیوی آنها بازدیدی بعمل آورده است زیرا چارلی اکنون مشغول تنظیم و« دکوپاژ» سنا ریوی جدیدخـود میباشد ومیخواهد هرچه زودتر فیلمی تهیه کند . بطوری که خودش گفته است ،مقصود او ازتهیه فیلم تازه اش ، تجدیدخاطرات دوران گذشته زندگیش میباشد .

توبه گرك!

(دوریس دی) مدتی بود کـه براثر اختلاف فکری وضعف اعصاب ناشی ازکار زیاد ، در را بـروی اغیار بسته ونه در استودیوظاهر میشد ونه در مجامع عمومی وپایش را در یك کفش کرده بود که دیگر درفیلمی شرکت نخواهم کرد وآنقدر در این کار اصرار داشت که ... خوب همـه میدانند که توبه گرك مرك است (دوریس دی) هم بالاخره از خرشیطان پائین آمد واکنون دراستودیوی وارنر درفیلم(یانکی دودل گرل) بازی میکند !

یك ستاره محبوب

«جینالولـو بریجیدا » را میتوانیم محبوب ترین ستاره ایتالیائی درحال حاضر بدانیم زیرا مرتبا ازچندین کشور برای او تقاضای بازی در فیلم میرسد .

آمریکائیها اورا در فیلم « شیطان رابران » شرکت داده اند ، فرانسویها در فیلم « فانفـان لاتولیپ » و خـود ایتالیائیها نیز مرتباً ازاو فیلم برمیدارند « ویتوریودسیکا » که در شماره گـذشته شرح حالش نگاشته شد با او دریك فیلم مهیج درام از زندگی روزمره مردم ایتالیا شرکت کرده است که نام آن (نان وعشق وهوس) میباشد ، میگویند این بهترین فیلمی است که (جینا) تاکنون در آن بازی کرده است ومثل اینکه حق دارند...

اختلاف اساسی

ماجرای قهروآشتی (شلی وینترز)و شوهرش (ویتوریو کاسمان)پیش از اینکه یك شایعه باشد حقیقت مسلمی شده است. اکنون این زن وشوهر باتفاق (سیلوانا منگانو) درایتالیا در فیلم (مامبو) بازی میکنند و (ویتوریو) که هوای وطـن به سرش زده ولذت بازی با(سیلوانامنگانو) دوباره زیر دندانش آمده ،نسبت به «شلی وینترز » رویه بی اعتنائی پیش گـرفته و بیشتر دوروبرهموطن زیباوفتانش میگردد وازبازگشت به آمریکا خودداری میکند عقیده دیش سفیدان براین است که ازدواج این زوج ایده الی نیز چندصباحی نخواهد پائیدوبزودی بله!..

بازگشت اینگرید برگمن

همـه عقیـدهٔ داشتند کـه اینگرید دیگر در فیلمی بازی نخواهد کرد اماوی برخلاف شایعات منتشره تحت نظرشوهرش روسلینی کارگردان مشهور و هنرمند ایتالیائی دوره جدیدی در زندگـی خود افتتاح نموده ودرچند فیلم ازجمله «اروپای ١٩٥١» شرکت کرد واخیرا طبق اطلاع واصله در دوفیلم دیگر ایتالیائی بکار- گردانی شوهرش بازی کرده که عبارتند از : «ماءزنها » باتفاق «الیداوالی»و «آناماگنانی» و دیگری « مسافرت در ایتالیا » با « جرج ساندرز » هنرپیشه آمریکائی .

تکنیک‌های جدید سینما

قسمت دوم: تاریخچه مختصر و تحولات طرق جدید

کاظم اسمعیلی

درشماره‌های گذشته شمه‌ای در باره طرز کار و ماهیت تکنیک‌های تازه که باعث انقلابی درعالم سینما گردید، نگاشته شد وهمانطوری که انتظار میرفت موردتوجه مردم‌هنردوست و کسانیکه بکار فیلمبرداری واطلاع ازجریانهای پشت‌پرده آن‌علاقمند هستند، قرار گرفت. چون‌دیگر نکته‌ای دراین باره باقی نمانده که ازقلم افتاده باشدلذادراین‌شماره وشماره آینده‌مختصری راجع بتاریخ تحولات «بعد سوم» و تأثیر آن درسینماخواهم نوشت واین‌بحث را خاتمه خواهم‌داد.

«بعد سوم» یعنی‌عمق، از زمان هیپارکوس (قرن دوم‌قبل از میلاد) بر بشر معلوم بوده است. درسال ۱۶۱۳ میلادی یکنفر عینک‌ساز بلژیکی بنام «فرانسوا داگیلون» اولین‌بار کلمه (برجسته_STEREO)را ذکر کرده است وازآنروز ببعدتمام مطالب واسامی‌خاص که مربوط بعکس وفیلم برجسته بوده با این کلمه شروع‌شده است.

«داگیلون» در ۳۴۰ سال قبل از قضیه ثبات رؤیت پس‌از محو منبع اصلی تصویر (اساس سینما) بااطلاع‌بود درسال ۱۶۸۵ یکنفرآلمانی بنام «یوهان زاهن» کتابی‌نوشت موسوم‌به «تلسکوپ یا چشم مصنوعی تلسکوپیك» ودرآن ازاصولی نام برد که بعدهااساس اختراع «استروسکوپ — STEREO SCOPE»باجام جهان نما یابعبارت صحیح تر «شهر فرنك برجسته» گردید زاهن برای تعمیم «پروژکتور» یافانوس‌سحر آمیز «آتانازیوس کرچر» که در حوالی سال ۱۶۴۰ اختراع شده بود کوشش فراوانی بعمل‌آورد اما از مساعی خود نتیجه‌ای نگرفت.

اولین جام جهان‌نما

نخستین وسیله‌ای که تصاویر را به طور برجسته نشان میداد، دستگاه — استروسکوپ «سرچارلز ویتستون» بود که وی بین سال های ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۸ آنرااختراع کردودرجلسه انجمن‌انگلیسی پیشرفت‌علوم که درهمان موقع تشکیل‌شده بود بمعرض نمایش گذارد. استروسکوپ دستگاهی بودکه اجازه میداد هریك از چشم‌ها ازیك شیئی یایك منظره‌بخصوص تصویر مجزائی بمغز منتقل کندوچون‌هر یك ازاین تصاویر بواسطه اختلاف دید چشم‌ها یکنوع بود، مغزآنها را با هم ترکیب میکرد ودرنتیجه احساس عمق‌در تصویر بوجود میآمد. در سال ۱۸۴۹ «دیویدبروستر» در انگلستان دوربینی ساخت که‌دوذره‌بین داشت وعکس برجسته برمیداشت. چندی بعد درفرانسه عکاسی بنام «کنه» آنرا تکمیل و نام دستگاه جدیدرا«کنتوسکوپ» گذارد.

درسال ۱۸۵۰ دراثراختراع«فردریك وویلیام‌لاکنهایم»در فیلادلفیانمایش تصاویری که روی شیشه ثبت میشدند، آسان گردید. «دوبو» این طریقه را در فرانسه تکمیل کرد ودر سال۱۸۵۲از دولت فرانسه اجازه ساختمان دستگاه تکمیلی‌خودرا بنام«استرئو فانتاسکوپ» STEREOFANTASCOPEدریافت کرد اساس این دستگاه این بود که با یك دوربین دوعدسی دورشته عکس درسطح عمودی باهم گرفته میشدند وتصاویرآن جلوی‌آئینه باوسیله مخصوصی‌نمایش‌داده میشد وعینك‌لازم داشت. قبل ازجنك‌های انفصال‌آمریکا، برادران «لاکنهایم» نمایشگاه «استروسکوپیك کاسموراما» را در فیلادلفیا افتتاح کردند. هریك از تماشاچیان جلوی دستگاه می‌نشست و با چرخاندن اهرمی، تصاویر برجسته‌ای از وقایع مهم روز تماشا میکرد. در فاصله سالهای ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵ عده‌ای از دانشمندان اروپائی درصدد بر آمدند که عکس برجسته را متحرك نمایند یا در حقیقت‌فیلم برجسته بسازند ولی هیچکدام آنها بنتیجه قابل ذکری نرسیدند تا این که درسال ۱۸۶۵در انجمن پیشرفت‌علوم شهر بیر منگام، یکنفر فرانسوی بنام «آنتوان کلوده» اعلام کرد دستگاه جدیدی ساخته است که تصاویر متحرك و برجسته را نشان میدهد. اساس اختراع او این‌بود که یك‌چشم‌تصویری را میدید وچشم دیگر تصویر بعدازآنرا و درنتیجه تماشاچی‌تصور میکرد که‌عکسهارا متحرك وبرجسته میبیند و نمیدانست که هریك از چشمهایش تصویر مجزائی می بیند.

دستگاه تکمیل شده «کلوده» در سال ۱۹۲۲ واوائل‌سال۱۹۲۳ بطور کاملتری در نیویورك نمایش داده شده و

بقیه درصفحه ۲۱

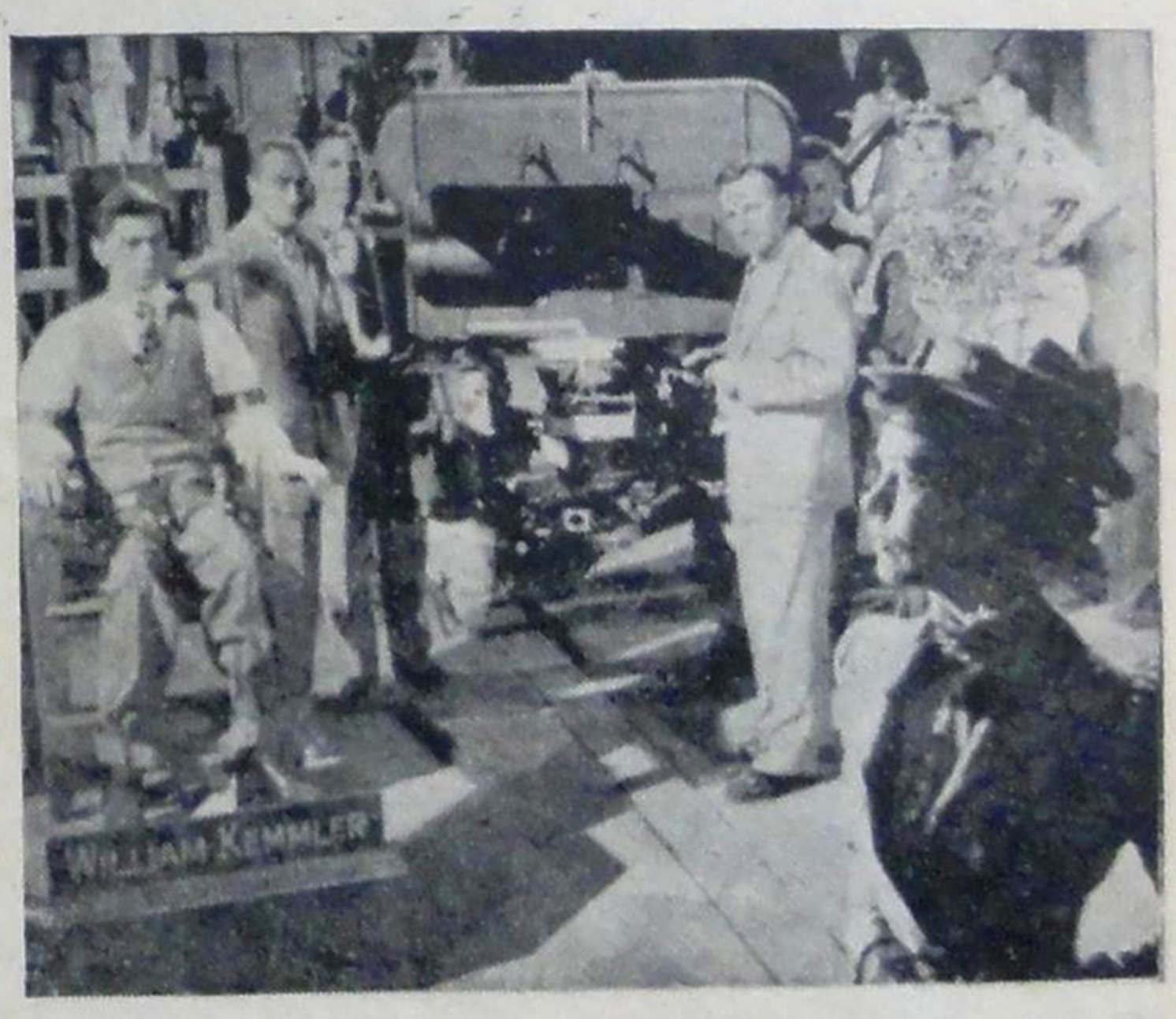

«اندره دوتوت» کارگردان مشهور، مشغول تهیه یك‌صحنه از فیلم سه‌بعدی «خانه مومی» است ...

این هنرپیشه ایرانی تنها یك آرزو دارد
و آن اینست که بتواند خوب فارسی حرف بزند

... افشار آیا نتیجه وفای بعهد این بود ؟.. آیا فکر میکنی که خدای بزرك تورا خواهد بخشید؟.. عایشه! این افشار کیست که تو اینقدر راجع به او صحبت میکنی؟.. درحقیقت تماشاچیان نیز از خود بپرسند این افشار کیست زیرا یکبار دیگر هنرمندی او را در فیلم فارسی «باز گشت» دیده‌اند ولی اورا آنطور که باید وشاید نمیشناسند.

... دریك محیط گرم و دوستانه‌ای با آرمان هنرپیشه اول مرد فیلم «دختری از شیراز» روبرو شدم وچون منظور خودرا بااودرمیان گذاشتم یکباره بخودلرزید وناگهان بلندشد و با شك وتردید باطراف نگاه کرد ومن که هنوز خاطره فیلم «دختری ازشیراز» در نظرم بود ازاینکه ممکنست آرمان مانند آخرین صحنه فیلم مزبورمرامورد «بی لطفی!» قراردهد ترسیدم وخواستم مانند عایشه بزیر پایش بیافتم وبگویم افشار من بیگناهم! که آرمان نشست وزندگی خود را برایم تعریف کرد.

گفت: «درسن هفت سالگی که تازه پای بدبستان گذاشته بودم تنهاتفریحم سینما ودیدن فیلمهای قهرمانی بود وچون درتمام این فیلمها آخر سر قهرمان فیلم بتمام آرزو های خود میرسید فکر کردم چنانچه روزی هنرپیشه شدم آنچه که قدرت وشهرت در دنیاهست متعلق بمن خواهد بود !! وروی این ایده بفکر هنرپیشگی افتادم و برای اولین مرتبه در ۱۴ سالگی در دبیرستان «تومانیان» تبریز در نمایشنامه «کیگور» دررل یك تاجر سودپرست ظاهر گردیدم ولی طولی نکشید که دبیرستان ما ضمیمه وزارت فرهنك شدوچون اقلیت‌ها در آنزمان اجازه شرکت در نمایشات را نداشتند بهمین جهت تحصیل را رها کردم ولی بهیچوجه مأیوس نشدم وبااراده‌ای محکم ولی پر از امید تحت نظر استادان فن بفرا گرفتن هنرپیشگی پرداختم تااینکه یکی دوسال بعد برای بازی در نمایشات موانع برطرف شد ومن یکباردیگر درسن ۲۰ سالگی در تبریز بابازی در نمایشنامه «ناموس» بروی صحنه آمدم» امادرحقیقت فعالیت هنری آرمان ازروزی شروع شد که او بتهران آمدودر تئاترهای ارامنه شرکت کردو بابازی دراین نمایشنامه‌ها آرمان سعی کرد که روز برور برمعلومات هنری خود بیافزاید وهمین طور هم شدزیرا میتوان گفت اکنون شهرت آرمان دربین ارامنه مانند شهرت و محبوبیت «گریگوری یك» درمیان امریکائیانست و اکثر نمایشنامه‌های ارمنی که درتهران بازی میشود با شرکت آرمان وکارگردانی سامول خاچیکیان میباشد. اماموقعیکه از آرمان پرسیدم چطورشد که بفکر بازی در فیلمها افتادی؟ جواب داد: «منهم مانند هر ایرانی دیگر کشور خودرا دوست میدارم ومیخواستم بآن خدمتی بنمایم وچون فکر کردم شاید ازراه هنرپیشگی میتوانم بر عظمت وپیشرفت صنعت سینمای بومی خود بیافزایم تصمیم بشرکت درفیلمهای فارسی گرفتم و بهمین جهت دو سال پیش که استودیوهای فیلمبرداری ما تااندازه‌ی نضج گرفتند به آنها مراجعه کردم ولی با شرائطی که این استودیوها از نقطه نظر فنی وهنری داشتند آنهارا مطابق میل خود نیافتم تااینکه استودیو دیانا فیلم افتتاح گردید و آقای خاچیکیان کارگردان این استودیو از من دعوت کرد. فیلم «دختری ازشیراز» نیز که اکنون آنرا نشان میدهند دومین فیلم من میباشد.»

اینك استودیو دیانا فیلم مشغول تهیه مقدمات فیلم «نوروزخونین» یا «بوسه سیاه» میباشد که قرار است ناصرملك مطیعی تحت کارگردانی خاچیکیان در آن بازی کند ومسلما آرمان در «نوروز خونین» و فیلم «سارا» که بعدازآن باز هم بوسیله خاچیکیان تهیه میشود، رلهای مهمی خواهد داشت زیرا خاچیکیان به آرمان خیلی معتقد است و اوراجوانی صمیمی، پرحرارت و درستکار و در عین حال فروتن و متواضع میداند والبته دراین عقیده خودبراه خطا نرفته است.

درخاتمه ازآرمان خواستم تا عقیده خودرا درباره فیلمهای فارسی اظهار کند. گفت: (نظر بعلاقه‌ایکه بفیلمهای فارسی دارم تقریبا بیشتر آنها را دیده‌ام. بنظر اینجانب علت عدم موفقیت فیلمهای ایرانی درمقابل محصولات خارجی درو هله اول نداشتن وسائل کافی و ثانیا عدم توجه استودیوها نسبت بهنر وتکنیك فیلمبرداریست مدیران استودیوها بطور کلی ازحسن نظر واستقبال تماشاچیان نسبت بفیلمهای ایرانی سوءاستفاده کرده و باکمترین خرج و با آمیختن چند (رقص عربی!) وآوازهای بیمورد ارزش فیلمها ازبین میبرند تاجائی که مردم نیزامروز دیگر مانند سابق از فیلمهای ایرانی استقبال نمی‌نمایند.

آرمان جوانیست باذوق وهنرمند ولی نه ازآن (هنرمندانی) که بابازی در یك فیلم خودرا دیگر محبوب کلیه دختران مدرسه میدانند...

بقیه در صفحه ۲۱

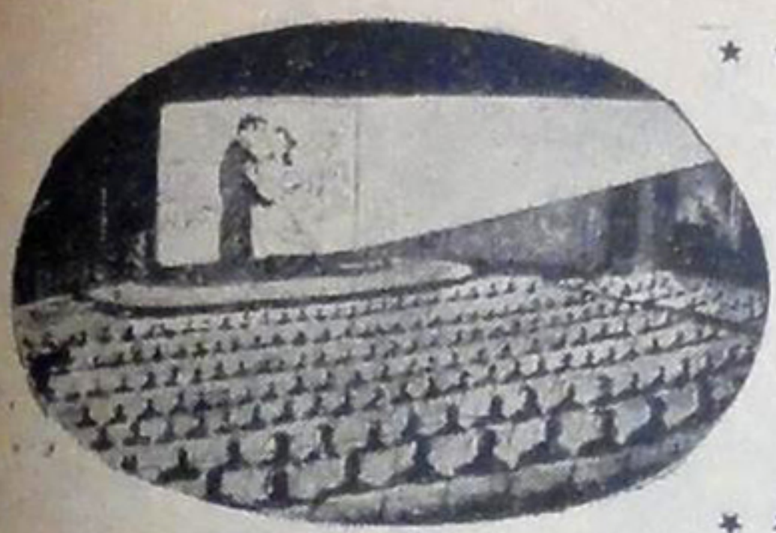

... و بدینطریق فیلمی روی پرده میآید

« آن جوان قد بلند آزمایش شماره ۲۲ حرکاتش مطابق سلیقه من است اما لازمست که صدایش تعلیم بگیرد » یا « یك رل کمدی بآن دختر آزمایش شماره ۲۰ بدهید . در رلهـای درام استعدادی ندارد » ازمیان این سخنان، اغلب هنرپیشگان و ستارگان مشهور فردا بوجود میآیند درهالیوود عده‌ای تهیه کننده هستند که

دورشاری ساموئل گلدوین

کارشان اینست که ستارگان تازه‌ای بیابند و فیلمهای مشهوری باشتراك آنها تهیه کنند . « دیوید سلزنیك » ، « هوارد هیوز » و « هال والیس » از مشاهیر این دسته هستند که به‌ترتیب :(اینگرید برگمن ـ جنیفرجونز ـ گریگوری پك ـ جوزف کاتن)و(جین راسل ـ فیت دومرك) و(جان لند ـ وندل کوری ـ دین مارتین وجری لوئیس) راپیدا کرده وعلاوه بر آنکه آنهارا بمنتهای شهرت ومعروفیت رساندند ، خود مبالغ هنگفتی از قبال آنها استفاده بردند.

چنانچه فیلم از هرلحاظ مهم باشد ، کارگردان، فیلمبردارومدیر امورهنری با تهیه کننده کمیسیونی تشکیل میدهند و واغلب اوقات کارگردان برای اینکه کار زودتر پیشرفت کند ، مرتبا با تهیه کننده و نویسندگان در تماس است . وقتی که سناریو تهیه‌و بازیکنان معلوم‌و دکورها حاضرشدند ، آنوقت تهیه کننده پای‌خود راکنار می کشد و اختیار بقیه کار ها را بدست کارگردان ومعاونین اومیسپارد . هرچند او بر کار ها نظارت می کند اما دراموری که مربوط به کارگردان است اصلادخالتی ندارد وموقعیکه فیلمبرداری

بقیه ازشماره قبل

بکلی خاتمه یافت دو باره او همه کاره می شود .

در اینموقع‌وی بایددرکار بریدن و « مونتاژ » قطعات مختلف فیلم با دقت کامل نظارت نماید زیرا (مونتاژ) یکی ازحساس ترین کارهای فیلمبرداری است و بطورکلی تسلسل وقایع داستان فیلم فقط بوسیله‌مونتاژ معلوم می گردد. بعضی اوقات صحنه هائی که در(سناریو) خوب بنظر میآمدند ، وقتی بروی پرده‌آورده میشوند چیزمزخرفی ازآب درمیآیند ودر اینجاست که دوباره باید برخی‌ازصحنه‌ها رادوباره فیلم برداشت ویاقطعاتی ازآن رابکلی دورریخت. پیدا کردن‌یك آهنگساز ماهر که آهنگهای‌متن‌فیلم را بسازد وپر کردن صدا روی نوار فیلم ویك‌آزمایش کوچك جلوی عده معدودی تماشاچی از آخرین کارهائی‌است که زیرنظرتهیه کننده بایدانجام بگیرد وسپس فیلم‌برای«انجمن قضائی‌تهیه‌فیلم» نمایش داده میشود تـا برای‌آن پروانه نمایش‌صادر کنند وقتیکه کلیه این کارها تمام‌میشود مسئله تبلیغات و پروپاگاند پیش‌میآید . هرچنداین کار از وظائف قسمت تبلیغات استودیوست ولی اغلب اوقات ، کارکنان تبلیغات زیرنظر تهیه کننده مطالب وعکس‌های تبلیغاتی‌را تهیه میکنند .

پیدا کردن اسم‌مناسب برای یك‌فیلم بسیارمهم ودرفروش آن تاثیر بسزائـی

والت‌دیسنی جك‌وارنر

دارد وروی‌این‌اصل‌اغلب تاموقعیکه‌عکس هاوآفیش ها (ورقه‌های تبلیغاتی که‌موقع نمایش‌فیلم‌بدرودیوارسینماآویزان‌میشود) برای چاپ آماده نشده‌اند ازانتخاب اسم خودداری میکنند.

بحث‌درباره‌طرزقرارگرفتن‌وبزرگی وکوچکی اسامی بازیکنان روی آفیش ها از جمله مسائلی است که بازتهیه کننده باید درباره‌آن اظهارنظر کند . بعدفیلم رابدون سروصدا دریك‌شهر کوچك در مقابل عده‌معدودی تماشاچی که قبلادعوت شده‌اند نمایش می‌دهند تاعکس‌العمل‌آنها رادربرابر فیلم به‌بیند وعیوب آنرا رفع کنند. بعضی‌اوقات این کارتاده‌مرتبه‌تکرار میشود . سپس‌وقتیکه فیلم‌ازهرحیث‌تکمیل شد آنرا به‌مدیران سینما ها ومنقدین و خبرنگاران سینمائی مجلات وجرایدنشان میدهند تا درباره مضمون وکلیات‌آن قبلا مقالاتی درروزنامه های خود بنویسند و فیلم از همه جهت بمردم معرفی شود ودر آخرکارفیلم‌را برای مردم درسینماهانشان میدهند .

تهیه ونمایش یك فیلم ازمهیج‌ترین

بقیه‌درصفحه ۲۱

فرهنك کوچك‌سینمائی

سناریوـ عبارتست ازداستانی که بطرزفنی برای‌فیلمبرداری آماده گشته و شامل صحنه‌ها وسن های مقطع می باشدوکارگردان ازروی آن صحنه های مورد احتیاج رابه کمك فیلمبردارتهیه میکند .

سناریست ـ (سناریست) کسی است که ازروی یك‌داستان یایك ایده سناریوئی برای تهیه فیلم مینویسد . کار سناریست از کارهای حساس‌فیلمبرداری‌میباشد.

مونتاژـ دراصطلاح‌سینمائی سرهم کردن‌قطعات‌مختلف یك‌فیلم را بطوری‌که تسلسل‌وقایع فیلم‌از بین نرود ، (مونتاژ) میگویند . بدون وجود یك (مونتاژ)ماهرانه فهم موضوع فیلم اشکال بسیار ـ دارد وغالباً تماشاچی ازآن سردر نمیآورد .

••(استوارت گرنجر)و(گریس کلی) که اخیراً شهرت بی نظیری بهمرسانیده، فعلا مشغول بازی آخرین صحنه های(آتش سبز) در آمریکای جنوبی میباشند. قبلا قرار بود «کلارك گیبل» دل اول این فیلم را داشته باشد اما وقتیکه قرارداد وی با کمپانی مترو پایان یافت، کمپانی هم (استوارت گرنجر) را مامور بازی در فیلم فوق نمود. داستان (آتش سبز) مربوط به معادن زمرد آمریکای جنوبی می باشد.

•• (تایرون پاور) اخیرا یك استودیوی مستقل تشکیل داده و اکنون مشغول تهیه فیلم (لوران کبیر) می باشد که رل اول آنرا نیز شخصا عهده دار شده است. همبازی وی در این فیلم (ریتا گام) میباشد و (تایرون پاور) که از بازی وی در فیلم (سعدیه) خیلی خوشش آمده بود این رل را باو داده است

•• کمپانی وارنر زودی فیلمی ببازار های دنیا خواهد فرستاد که که از هرجهت قابل اهمیت میباشد این فیلم (موبی دیك) نامدارد و هنرپیشه اول آن (گریگوری پك) است که تحت نظر کارگردان شهیر (جان هوستون) مشغول بازی در فیلم مذکور میباشد. (موبی دیك) بصورت رنگی وسینما سکوپ در ایرلند تهیه میشود.

•• (گلن فورد) اخیرا کارش زیاد شده و کمپانی کلمبیا مرتبا از او فیلم تهیه میکند و فعلا مشغول بازی در فیلم (دره اسموکی) میباشد، که کارگردانی آن بعهده (رودلف ماته) واگذار شده است.

•• (جون الیسون) و (جیمز-استوارت) که بعد از بازی در فیلم (سرگذشت گلن میلر) شهرت بسزائی بدست آورده بودند برای باردوم در فیلم (فرماندهی ستاد هوائی) که یك فیلم جنگی میباشد در کمپانی پارامونت بازی میکنند

••در استودیو های کلمبیا فیلم جدیدی مربوط به شورش هندیها علیه انگلیسها در قرن گذشته فعلا جلوی دوربین است و بزودی تمام خواهد شد. این فیلم (تفنگداران بنگال) نامیده میشود که (ریچارد ایگان) دل اول آنرا دارد و کار گردانی آن نیز بعهده (لازلو بندیك) میباشد.

•• (چارلز لافتون) هنرمند مشهور بزودی فیلمی کارگردانی خواهد کرد که (شب شکارچی) نامدارد و (روبرت میچم) در آن ظاهر خواهد شد.

•• (دیك پاول) نیز کار گردانی را پیشه خود ساخته وفعلا آخرین صحنه های فیلم (فاتحین) را برای (هوارد هیوز) رئیس کمپانی «ار.ك. تورادیو» کارگردانی میکند. (جان وین) دل اول این فیلم را بعهده دارد و بعداً در فیلم (تعقیب در دریا) شرکت خواهد کرد.

•• (تونی کرتیس)، (جن تلسون) و (کورین کالوت) مشغول بازی در فیلم (سه ولگرد در پاریس) میباشند که بزودی فیلمبرداری آن تمام خواهد شد.

••(فرناندل) هنرپیشه کمدی معروف فرانسوی باتفاق (پیر آنجلی) اخیرا فیلم رنگی (مادموازل نیتوش) را باتمام رسانیده اند این فیلم ناطق فرانسه وانگلیسی بوده و یکی از محصولات خوب فرانسه بشمار میرود

تونی کرتیس

••(تیلدا تامار) ستاره فرانسوی و (وین موریس) هنرپیشه آمریکائی فعلا در استودیوی (برایتون) لندن در فیلم جنگی (نقشه مهم) بازی میکنند. فیلم (مالاگا) باشتراك (مورین اوهارا) و (هوف مکدرموت) نیز در استودیوی فوق جلوی دوربین است وتصور میرود تا یك ماه دیگر برای نمایش آماده گردد

•• کمپانی (آر.ك.ـ تو.رادیو) به فیلم (جائیکه ـ باد خاموش میشود) خیلی امیدوار است زیرا اولا «کرنل وایلد» دل اول آنرا دارد وثانیا (بندیکت بوجوس) آنرا تهیه میکند و ثالثا اینکه فیلم بطریقه «سوپر سکوپ» ساخته میشود.

•• کمپانی (فوکس قرن بیستم) برای تهیه فیلم موزیکال رنگی (من و پادشاه سیام) مبلغ ٤ میلیون دلار اختصاص داده و این رقم سرسام آور تحت نظر (چارلز براکت) تهیه کننده زبر دست برای دکور های مجلل این فیلم خرج خواهد شد.

••(آلن لد) بزودی در فیلم (صدای طبل) بازی خواهد کرد.

••(ویرجینیا مایو) و (پیر آنجلی) نیز در فیلم (ساغر نقره ای) شرکت خواهند کرد.

ریتا گام

«بیگانگان»، فیلم جالبی از فداکاریهای ملت کوبا...

مدتی است که سینما کریستال میخواهد فیلمی بنام «بیگانگان» نشان بدهد اما اجازه نمایش آنرا نمیدهند. ما در اینجا باین مسئله که دلیل جلوگیری از نمایش فیلم فوق چیست کاری نداریم و فقط میخواستیم کار هنرمندانه دوتن از زبر دست ترین تهیه کنندگان و کارگردانان آمریکائی را تا آنجائی که مقدور است به تماشاچیان ایرانی و علاقمندان به فیلمهای پرحادثه و مهیج و درعین حال عمیق و حقیقی بشناسانیم

درسال ۱۹۴۹ «جان هوستون» کارگردان زبر دست کمپانی برادران وارنر که بواسطه کارگردانی و تهیه سناریوی فیلم «گنج برباد رفته» (گنج سیرامادره) جائزه اوسکار گرفته بود، قرار دادش را با کمپانی مذکور فسخ کرد و باتفاق (س.پ. ایگل) تهیه کننده معروف یك شرکت مستقل تشکیل داد و بکار ساختن فیلم های متنوع و هنری مشغول گشت. اولین فیلمی که این شرکت کوچك کم سرمایه ولی پر هنر بیرون داد، فیلم (بیگانگان) بود. جان هوستون، از آن عده کارگردانان کمیاب آمریکائی است که میل دارد همیشه آثارش صد درصد با حقیقت وفق دهد لذا روی همین اصل مسلم، هنرپیشگان و وسائل کار خود را بجای اینکه در استودیوهای هالیوود متمرکز کند، به مکزیکو برد و صحنه های خارجی (بیگانگان) را نیز درهمان حوالی و در بعضی از قصبات کوچك اطراف پایتخت کشور مکزیك تهیه کرد. اما این کافی نبود و هوستون برای تکمیل کار خود بجز جنیفر جونس و جان گارفیلد، تقریبا بقیه هنرپیشگان و بازیکنان فیلم را از میان معروفترین و هنرمند ترین بازیکنان مکزیکی انتخاب کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

پدرو آرمنداریز — رامون نووارو — چیلبرت رولند. جنیفر جونس در نقش (چاینا والدز) روزنامه نگار فعال آمریکائی که با انقلابیون کوبائی همکاری می کند، در ایران باندازه کافی معروف است و چنانچه میخواهید بازی او را در نظر بیاورید از فیلمهای (جدال در آفتاب) و (آواز برنادت) او که در دومی جائزه اسکار گرفت، یاد کنید. جنیفر جونس اخیراً باز تحت نظر جان هوستون و (س. پ. ایگل) در فیلم (شیطان را بران) هنر نمائی کرده است.

(جان گارفیلد) هنر پیشه فقید آمریکائی رل (تونی فی نر) را در این فیلم بعهده دارد. این هنرمند در عالم سینما سابقه زیادی داشت و بهترین فیلمهای او در کارخانه فیلمبرداری برادران وارنر تهیه گردید. در ۲۱ ماه مه ۱۹۵۲ وی در اثر نتایج حاصله از انفجار استودیو، مبتلا به سکته قلبی گردید و جهانرا بدورد گفت. جان گارفیلد، در پایان فیلم بیگانگان نیز میمیرد! پدرو آرمنداریز را کلارك گیبل مکزیك می خوانند زیرا علاوه براینکه قیافه جذاب و متینی دارد، از هنر بازی بمقیاس زیادی بهره مند است. در این فیلم نقش یك مامور خشن و باهوش اسپانیولی بعهده او واگذار شده است.

رامون نووار و نیز در این فیلم رلی دارد که اگر آنرا قبول نمیکرد بهتر بود. این هنرپیشه در زمان فیلمهای صامت و اوائل دوره ناطق شهرت بسزائی داشت و در فیلمهای معروفی از قبیل (بن هور) و (ماتاهاری) رل مقابل گرتا گاربو را بعهده گرفته بود. چیلبرت رولند، هنرپیشه مکزیکی الاصل آمریکائی اخیرا پس از بازی در فیلم فوق توانسته است آب رفته را بجوی باز گرداند و شهرتی را که قبل از جنك بین المللی دوم داشت دو باره بدست آورد

داستان فیلم (بیگانگان) توسط خود جان هوستون که در نویسندگی مهارت بسزائی دارد و یکنفر دیگر بنام پیتر ویتریل، از روی کتاب معروف رابرت سیلوستر نویسنده آمریکائی که خود در جریان انقلاب کوبا شاهد وقایع آن بوده، اقتباس گشته و برای فیلمبرداری آماده شده است. در این داستان از انقلاب ملت کوبا علیه اسپانیائیها که مدت چندین قرن، پس از سلطه سردار اسپانیولی (کورتز) بر این جزیره ثروتمند و حاصلخیز تسلط داشتند، گفتگو شده و وقایع آن با حقیقت وفق میدهد زیرا همانطور که گفته شد نویسنده اصلی کتاب خودش یکی از آنهائی بوده که با انقلابیون کوبائی کمك می کرده است. کوبا، جزیره بزرگی است در دریای آنتیل که علاوه بیشتر موقعیت سوق الجیشی، دارای منابع نیشکر و نباتی فراوان میباشد و اسپانیائیها نیز بیشتر بهمین جهت در حفظ آن می کوشیدند و با انقلابیون از در ستیز در آمده بودند. جزیره کوبا پس از اینکه از زیر سلطه جابرانه و خشن اسپانیائیها بیرون آمد، تحت نفوذ آمریکائیها قرار گرفت و جزو یکی از جمهوریهای این کشور محسوب گردید. روی همین اصل آنهائیکه از وقایع پشت پرده خبر داشتند میگفتند آمریکا در ایجاد انقلاب کوبا علیه اسپانیائیها ذیمدخل بوده است. در هر صورت فیلم (بیگانگان) که اسم اصلی آن (ماغریبه ودیم) می باشد، فیلمی است بتمام معنی کامل و پراتریك و ما امیدواریم هرچه زودتر رفع سوءتفاهم شده و این فیلم در تهران نمایش داده شود.

جنیفر جونس و جان گارفیلد در صحنه مهیجی از فیلم

چرا «سیلوانا منگانو» از مسافرت بایران صرفنظر کرد؟..

درسال گذشته موقعیکه فیلم (گرك مزرعه) رادر تهران نمایش دادندواستقبا شدیدی از آن بعمل آمد، مجلات سینمائی ایتالیا مقالات متعددی دراین باره نوشتند ودرضمن عکسهائیکه ازازدحام مردم برای دیدن این فیلم برداشته شده بود درمجلات وروزنامه های ایتالیا بچاپ رسید . هنگامیکه این خبر بگوش (سیلوانامنگانو) رسید از این جریان بی اندازه خوشحال گردید ویکدل نه صددل عاشق کشور گل و بلبل شدوتصمیم گرفت مسافرتی بایران نموده واین کشور را ازنزدیك به بیند .

(سیلوانا) پیش ازاین کشور ایرانرا ازروی تاریخ وترانه های زیبای عمر خیام میشناخت وهرگز خیال نمیکرد در یك کشورشرقی اینقدراز فیلمهای او استقبال بنمایند روی همین اصل به موسسه داریوش فیلم مراجعه کردواز آنهاخواست بهرترتیبی که شده وسیله مسافرت اورا بایران فراهم نمایند وچون مسافرت رسمی او بایران با تعدادعلاقمندانی که وی درایران داردممکن بود غوغای عجیبی برپا کندبنابراین قرار شدکه وی مانند (ایوون دوکارلو) نام خود راتغییردهد وبایك شناسنامه عوضی بدون سروصدا بایران آمده وتا هنگام نمایش فیلم (برنج تلخ) ورود اومکتوم بماند و حتی بلیط مسافرت او نیز برم فرستاده شد امامعلوم نشدروی چه اصلی ناگهان نام (سیلوانا) در لیست «کالاهای ممنوع ـ الورود !» در آمد واز ورود او بعلت هیجانی که ممکن بود ایجاد نماید جداً جلوگیری بعمل آمد ! اما (سیلوانا) بهیچوجه مایوس نشد و وممکن است در سال آینده هنگام نمایش فیلم (آنا) و یا (اولیسس) بایران بیاید .

تهیه فیلم (اولیسس) ماجرائی بس شنیدنی دارد زیرا پس از آنکه فیلم

« سیلوانا » و « رالف والونه » در صحنه‌ای ازفیلم «آنا »

(برنج تلخ) سیلوانا را در امریکا نشان دادند غوغای عجیبی برپا کرد وعده‌ای او را رقیب (جین راسل)محسوب کردند و در طی نامه های متعددی ازاستودیو های فیلمبرداری امریکا تقاضا کردند (سیلوانا) را به امریکا دعوت وفیلمی از او تهیه بنمایند اما (سیلوانا) بهیچوجه حاضر نشد ایتالیا را ترك نماید تا اینکه کارخانه پارامونت درسال گذشته با صرف میلیونهادلار فیلم رنگی (اولیسس) را از (سیلوانا) در ایتالیا تهیه کرد این فیلم بزبان انگلیسی و ایتالیائی بوده و دل

مقابل سیلوانارا (گرك دوگلاس) هنرپیشه آمریکائی بعهده دارد .

(اولیسس) بهترین فیلمیست که (سیلوانا) تاکنون بازی کرده‌است درهر صورت استقبال تماشاچیان کشور ما از محصولات (لوکس فیلم) مخصوصا فیلم عالی (برنج تلخ) باعث شدکه این کمپانی فیلم (اولیسس) را برای دوبله فارسی در اختیار موسسه داریوش فیلم بگذارد و اکنون این موسسه مشغول تهیه مقدمات برای دوبله کردن آن بفارسی میباشد.

ازطرف دیگر پس ازآنکه نمایش فیلم(گرك مزرعه) باموفقیت روبرو گردید چند نفر از سرمایه‌داران یکی ازآخرین فیلمهای (سیلوانا) رابنام(آنا) ازلوکس فیلم خریداری کرده و مشغول دوبله کردن بفارسی گردیدند نام این اشخاص تاکنون مکتوم مانده ولی آنچه مسلم است اینکه فیلم (آنا) را در پائیز آینده در تهران نمایش خواهندداد این فیلم را (سیلوانا) بعداز(گرك مزرعه) و (برنج تلخ) بازی کرده‌است و همبازیهای او در این فیلم (ویتوریو گاسمان) و (راف والونه) میباشند .

(آنا) سرگذشت دختر زیبائیست که نامزد یك افسر جوانست اما در اثر بروز جنك نامزد اورا بجبهه جنك احضار مینمایند (سیلوانا) که یك رقاصه است وزندگی خوشی را میگذراند در اثر این حادثه شغل خودرارهامیکند ودرلباس یك پرستار بمعالجه مجروحین جنك می پردازد ولی بزودی نامزد او در حالی که مجروح شده است از جبهه بازمیگرددو(سیلوانا) راتشویق میکند تا از این زندگی یکنواخت و خسته کننده دست برداشته و بزندگی خوش اولیه باز گردد اما (سیلوانا) پس از یك کشمکش طولانی بین وجدان و شهوت بالاخره برنفس خود چیره میشودو یکباره خود را وقف کمك بهمنوعانش میکند .

این مهندس و طراح هنرمند، اولین

کسی است که فیلمهای علمی حقیقی ساخت

درسال ۱۹۵۰ نا- گهان انقلابی در عالم سینما رخ داد. میگفتند مرد ناشناسی فیلمی بنا. (مسافرت بکره ماه) تهیه کرده است که رحماتش در ساختن دکورها و کلیات آن قابل تقدیر کرده است (مسافرت بکره ماه) یك فیلم رنگی علمی و داستانی بود که بر اساس اصول مسلم و غیرقابل انکار علمی و نظریات دانشمندان اتمی بناشده بود.

دراین فیلم عده زیادی ماجراجو و دانشمند برای رسیدن بکره ماه بافشفشه اتمی حرکت میکنند ودر میان راه بین کره زمین و کره غیرمسکون ماه، بامشکلات وحوادثی روبرو میشوند که حقیقت دارد و تهیه کننده آن برای تجسم مسافرت آنها بکره ماه زحمات طاقت فرسائی متحمل شده بود.

تاآنوقع هیچکس جزچند نفری از رؤسای کمپانی پارامونت اسم تهیه کننده آنرا نمی‌شناخت ونمیدانست چگونه یك نفر ناشناس توانسته است درمدت کوتاهی فیلمی به این جالبی بسازد.

اما پس‌از اینکه فیلم (مسافرت به کره ماه چندشب نمایش داده شد تمام مردم سینما روبا اسم (جرج پال) آشنا شده بودند. (جرج پال) اولین کسی نبود که فیلمی ازاین نوع تهیه کرده باشد. قبل از اوعده دیگری بااقتباس ازداستان های تخیلی چندفیلم از مسافرت ساکنین کره ارض به سیارات دیگر تهیه کرده بودند که معروفترین آنها سری فیلمهای (مسافرت بکره مریخ) و(بوك راجرز) و مسافرت بکره ارض بودکه بوستر کراب رل اول آنها را ایفا میکرد ودر ایران بنام (صاعقه) معروف گردید.

(جرج پال) اصلا ازاهالی مجارستان است. وی ٤٥ سال قبل دربوداپست متولد شد.

تحصیلات ابتدائی او در پایتخت گذشت وجرج بالاخره توانست ازدانشگاه بوداپست دیپلم مهندسی ساختمان بگیرد اما مهندسی مطابق ذوق آتشین او نبود وجرج میخواست کار پردردسرتری انتخاب کند.

زیرا..(من اصلا ازمهندسی خوشم نمی آمد میل داشتم هنر واستعدادم را درکارمهیج تر وباماجرا تری صرف کنم وپس از مطالعه زیادبالاخره رشته سینمارابرگزیدم در آنوقع همه مرا مسخره میکردند و میگفتند لایق یکنفر مهندس نیست که در استودیو های سینما کار کند اما من هدف خود را یافته بودم وغیر ممکن بود تغییر عقیده بدهم.)

جرج در اوائل کار طرح دکور و ساختمانهای لازم برای استودیو رامیکشید وپس‌از اینکه دراینکارشهرتی بهمرسانید به فیلمهای نقاشی متحرك متمایل شدولی چون اینکار نیزآنقدر هیجانی در برنداشت جرج سعی کرد باساختن فیلمهای عروسکی به فیلمها خاصیت (برجستگی) و(بعدسوم) بدهد،چون اصولا از جوانی، جرج میل

صحنه‌ای از فیلم رنگی «مسافرت به کره‌ماه» ، اثر « جرج‌پال»

داشت مرتبا چیزی تازه ای بمردم عرضه کند وسبك کارش را مرتبا تغییر بدهد. بالاخره باپس‌انداز خود توانست درهلند در شهر (اندهون) استودیوی مستقلی بسازد وبعدازدوسال زحمت وتجربه‌اولین فیلم خودرا ساخت.

این فیلم یك محصول عادی بود که در آن عروسکهامثل خیمه شب بازی رل مهم را بازی میکردند:

بزودی فیلمهای عروسکی وابتکاری (جرج پال) درسراسر دنیا معروف شد و کمپانی پارامونت درسال ۱۹۳۹ از او دعوتی بعمل آورد که بآمریکا مسافرت کند. جرج فوراً بارسفر بست وچندی بعد وارد آمریکا شد.

ازسال ۱۹۳۹ تا ۱۹٤۹ جرج پال درکمپانی فوق به‌ساختن وطرح دکورهای مختلف مشغول بود و فرصت نیافت که آرزو های دور ودراز خود را بروی پرده سینما منعکس کند.

دراین سال کمپانی یونایتدآرتیست فیلمی بنام (روپرت کبیر) تهیه کرد که رل اول آنرا (جیمی دورانت) بعهده داشت و لازم بود که یك سنجاب بزرك نقش مقابل او را بازی کند. جرج که در این موقع باکمپانی پارامونت بهم زده بود فورا طرح سنجاب را ریخت و فیلم فوق باموفقیت زیادی روبرو گردید.

سپس وی مشغول تهیه مقدمات و طرحهای مختلف برای ساختن کره‌زمین وماه‌مصنوعی وفشفشه اتمی که بکره ماه مسافرت‌می- کند ،گردید وتهیه فیلم را نیز شخصا به عهده گرفت. همانطورکه ذکر گردید، (مسافرت بکره ماه) مبدائی شد برای محصولات علمی دیگر نه پس از آن تا کنون هوا خواه زیادی دارد. منقد روزنامه نیویورك هرالد تریبون در باره فیلم فوق نوشت: (واقعاً عجیب است! انسان وقتی فیلم را تماشا میکند هیچ‌نمی تواند فکر کندکه هنوز روی کره زمین میباشد. قدرت جرج‌پال در تجسم صحنه ها وابتکاراو برای طرحهای دکوروسایر لوازم ، مافوق تصور است ...) جرج پس‌از تهیه فیلم مذکور دوباره بدعوت پارامونت به‌آن کمپانی رفت ویك فیلم علمی دیگر بنام (وقتی که کرات متلاشی میشوند) تهیه کرد. این فیلم مانند فیلم اولی دراختیار سینمای‌ایران است‌ومعلوم نیست چرا از نمایش‌آن خودداری‌میکند (جنك‌بین کرات) سومین‌فیلم علمی‌جرج پال‌بود که آنرا بازهم درکمپانی‌پارامونت ساخت‌وبعد یك‌فیلم غیرعلمی بنام(هودینی) جادوگر مشهور که‌سالهای متمادی‌عملیات

بقیه‌درصفحه ۲۱

درفیلم « وقتیکه کرات متلاشی میشوند » عمارات فرومیریزند

سه مجله باتصاویر «برجسته» ستارگان مشهور سینما برای شما

۱ ـ هنوز هم مورد توجه مردم زیباپرست وهنردوست است . خاطره فیلم (پستچی همیشه دوبار زنك میزند) اوهیچگاه از نظرها محو نخواهد شد . شناختن او کار آسانی است .

دراین صفحه تصویر پانزده نفر از هنرپیشگان معروف دیروز وامروز عالم سینما برای شما چاپ شده است وما اسم اصلی آنهارا ازشما میپرسیم . چنانچه جواب صحیح خودرا بادوریال تمبر پست باطل نشده برای ما ارسال دارید ، ماهم بقید قرعه بسه نفر ازشما سه مجموعهٔ رنگی پراز تصاویر « برجسته » (سه بعدی) ستارگان محبوب شما با نضمام عینك مخصوص تماشای آن جائزه میدهیم. این مجموعه‌ها هر کدام بتنهائی بیش از یکصد ریال ارزش دارد وتا کنون درایران منتشر نشده است . جواب صحیح و نام برندگان درشماره نهم اعلام خواهدشد .

٦ ـ باحرکات وژست‌های فریبنده خود غوغائی دردنیا برپا کرد . درآنروز ها تقریباً مثل مریلین مونروی امروزی بود . اسم کوچك او (کلارا) است . اما مطمئن باشید که «بو» نیستند!

۲ ـ باآنکه سالهای متمادی است دیگر فیلمی ازاو نشان نداده‌اند ، معهذا روزی معبود کودکان عالم بود ومرتباً در فیلمهای (کاوبوی) ظاهر میشد . یکی از فیلمهای او (سوارمعجزه آسا) نام‌داشت.

٤ ـ در دوره صامت واوائل دوره ناطق ، محبوب‌ترین هنرپیشه مرد محسوب میشد . در سال ۱۹۲۳ فیلم (بال‌ها) را بازی کرد وفیلم(شکوفه های پژمرده) او ازشاهکارهای سینما بود .

۷ ـ تاریخ سینما ازاو بنام یك هنر مند حقیقی یاد میکند . تخصص اودربازی دلهای درام‌تاریخی بود وشخصیت‌های بزرك عالم‌مثل (دیزرائیلی)و(روچیلد) رامجسم میکرد .

۳ ـ سری فیلمهای (مرد ظریف) که باویلیام پاول بازی‌میکرد اوراشهره آفاق ساخت ولی هنراو درفیلم (باران آمد) باتفاق تایرون پاور ، بمنصه‌ظهور رسید .

٥ ـ از خانواده (باریمور)و هنرمندی بی‌نظیر درایفای دلهای شکسپیر بود (رومئووژولیت)ازآخرین فیلمهائی‌است که ازاین هنرمند بی‌نظیر درتهران نشان دادند .

۸ ـ درسال ۱۹۲۷ اولین کسی بود که برای بازی‌درفیلم (آسمان‌هفتم)جائزه اسکار را ربود .

با (جانت‌لی) ستاره جدید از یك لحاظ نقطه‌مشترکی‌دارد. اگر گفتید کیست؟

حیرت انگیز ترین فیلم اطلس

«بیست هزار فرسنگ زیر دریا» کتاب تخیلی

وقتیکه فیلم «گنجهای حضرت سلیمان» را در سینماهای جهان نشان دادند، همه گفتند که دیگر فیلمی ازاین حقیقی‌تر و خطرناکتر غیرممکن است ساخته شود.

این عقیده عمومی تااوائل ماه مارس امسال تااندازه‌ای صحیح بود اما ازاول ماه مارس ۱۹۵٤ ناگهان ورق برگشت و «والت دیسنی» تهیه کننده معروف دست بکاری زدکه میان تهیه کنندگان باسابقه هالیوود «خطرناکترین فیلم قرن بیستم» نامیده شد. این ها درست میگفتند زیرا «والت دیسنی» باکلیه آلات وادوات و هنرپیشگان حقیقی (درمقابل بدلی) وکارگردان و غیره برای تهیه فیلم «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» عازم آبهای دریای آنتیل و حوالی مجمع‌الجزائر «باهاما» شده‌بود.

هنرپیشگان جلوی دوربین مشغول ایفای رل خود هستند!

داستان «بیست‌هزار فرسنگ زیردریا» از رمانهای معروف نویسنده خیال پرور و دانشمند فرانسوی «ژول ورن» است که آن ازماجراهای حیرت‌انگیز مسافرت یکدسته مکتشفین براهنمائی کاپیتن «نمو» وتوسط دستگاهی‌شبیه بزیردریائی بنام «نوتیلوس» سخن‌ها رفته وقدرت‌قلم وتخیل وسیع «ژول ورن» اثری بدیع بوجود آورده است.

«والت‌دیسنی» که مدتهاست اغلب‌فیلمهای غیرتفاشی باشرکت هنرپیشگان معروف تهیه میکند اولین کسی بود که بفکرش رسید یك فیلم داستانی حقیقی ازمناظر زیردریا بسازد که هم تماشای آن برای مردم لذت آور باشد وهم اینکه کمکی به‌پیشرفت علوم‌طبیعی وشناساندن عجایب قعردریاها بنماید.

برای‌این منظور «دیسنی» اول خیال داشت «شارل بوایه» را مامور ایفای رل کاپیتن «نمو» بکند اما چون دید وی طاقت فشار زیر دریارا ندارد، ناچار «کرك دوگلاس» را که تازه از بازی درفیلم «اولیسس» فراغت حاصل کرده است برای این رل انتخاب کرد و «کرك دوگلاس» مجبور شده شخصاً بدون اینکه هنرپیشه بدلی رل اورا بازی‌کند، با لباسهای مخصوص بزیر دریا برود ودر معرض مخاطره وحمله کوسه های خونخوار وهشت‌پای دریائی قرار گیرد زیرا «دیسنی» آدمی رئالیست‌میباشدومیل‌دارد فیلمی که تهیه میکند صددرصد باحقیقت وفق دهد.

(فرد زیندار) روی صفحه مخصوص دستور کارگردان را بفیلمبردار ابلاغ میکند

«دیسنی» با۸۳ نفر که عبارت بودند از: کارگردان، فیلم‌برداران، متخصص نور، غواصان ماهر و متخصص نجات غریق و چندنفر گیاه شناس وجانور شناس ورزیده، درحوالی جزیره‌باهاما مرکزی برای خود ترتیب داد واز آنجا هرروز برای تهیه صحنه های مختلف زیردریائی درعمق صدمتری دریا میرفت.

درمحلی نزدیك جزیره‌یك پایگاه مجهز ساخته شد ودوربین فیلمبرداری روی آن قرار گرفت واغلب برای اینکه گل و لای کف دریا آب را تیره نکند، چندین عددقالی پلاستیکی شفاف کف دریا درنقاطی که هنرپیشگان و کارکنان فنی میبایستی راه بروند میانداختند.

سپس بوسیله دوربین مخصوص‌که آب در آن نفوذ نمیکرد شروع به‌تهیه فیلم کردند.

یکنفر غواص مخصوص که سالهای مدیدی درزیر آب‌سر برده، بنام «ادی چینسنکی» مامور بودکه مواظب دوربین باشد تامبادا دراثر جریانهای زیر دریائی از روی پایه خود واژگون شود ودر ضمن حفظ سلامتی فیلمبردار نیز بعهده او بود. یکنفر غواص باسابقه دیگر که سالها درنیروی دریائی آمریکا کارکرده بود، بنام «فرد زیندار» عهده دار انجام دستورات کارگردان به فیلمبردار بود وی روی ورقه مخصوصی بامداد چرب، که کلمات را زیرآب شفاف نشان میدهد، دستورات کارگردان را به‌مامورین وکارکنان فنی ابلاغ میکرد.

متخصص حیوانات، خرچنگهارا آماده نگهداشته تا بدستور کارگردان آنهارا جلوی دوربین رها سازد

سینما، در قعر اوقیانوس

شود!...

ن» توسط « والت دیسنی » بروی پرده می آید

کارگردان فیلم «ریچارد فلایشر» باتفاق (زیندار) و (تیل-
گابانی) فیلمبردار کل، اغلب روی آب میآمدند ودر سطح مواج
اوقیانوس کنفرانسی برای ترتیب کارهای بعدی تشکیل میدادندو
چون هوا بیشتر ابر بود ناچار گاهی اوقات مدت چهارروز کارها
را تعطیل میکردند تاخورشید اززیر ابرها بیرون بیاید وآنهانور
کافی برای صحنه ها بدست آورند.

یکنفر دیگر مامور بود خرچنك‌های درشت وماهیهای گوناگون
راکه بوسیله غواصان شکار شده بودند، آماده نگاهدارد تاباشاره
کارگردان آنهارا برای تزئین وجالب کردن صحنه‌های مهیج فیلم
جلوی دوربین رها سازد واین کار یکی از مسائل شاقی بود که
هیئت فیلمبرداری باآن مواجه شده بود زیرا ماهیها بمحض اینکه
رها میشدند بسرعت ازآن حوالی دور میگردیدند.

(ریچارفلایشر) کارگردان فیلم ازهمه بیشتر فعالیت میکرد
ودر زیردریا برای اینکه رفت‌وآمدش سهل‌تر باشد لباس غواصی
سبکی فقط بایك‌مخزن اکسیژن بتن کرده بود وناچار هرچندساعت
یکبار برای پرکردن مخزن از اکسیژن مجبور بود به سطح آب
برود.

تنها کسیکه هر روز در حدود ده ساعت زیر آب میماند
(فرانك هیگینز) مامور نجات غریق وارتباطات بود وبرای اینکه
خسته نشود اغلب کف دریا دراز میکشید و گاهی اوقات خوابش
میبرد! یکبار دراثر غفلت او لوله هوا پاره شد ونزدیك بود
عده‌ای زیردریا بواسطه‌فقدان اکسیژن ازبین بروند اماخوشبختانه
کسانیکه دربالا مواظب بودند، فوری متوجه خطر شدند ولوله
را تعمیر ووصل کردند.

ساختن کشتی زیر دریائی (نوتیلوس) نیز از آن مسائل
مشکلی بودکه بالاخره بازحمت زیاد وکوششهای شبانه روزی‌حل
شد (والت دیسنی) برای ساختن‌آن چهار مهندس ماهر استخدام
کرد تااز مشخصاتی که (ژول‌ورن) درکتاب خود برای این زیر
دریائی عجیب ذکرکرده بود، دستگاهی بسازند.

ازصحنه‌های مهیج ومشکل فیلم، صحنه دفن کردن یکی از
کارکنان زیردریائی بودکه می‌بایستی نعش او درمیان صخره‌های
عظیم و وحشت زای اعماق اقیانوس ودر میان گل ولای کف دریا
دفن شود.

برای تهیه این صحنه کارکنان (والت دیسنی) مجبورشدند
شش‌هفته صبر کنند تاهوا باآنها مساعدت نماید. اما رویهمرفته کار
ها بروفق مراد پیش میرود واکنون آخرین صحنه های این فیلم
خارق‌العاده وعجیب که در تاریخ سینما نظیر آن دیده نشده، تهیه
میگردد.

(بیست‌هزار فرسنك زیردریا) رنگی بوده و بطریقه جدید
(سینما سکوپ) ساخته میشود و با آنکه (والت دیسنی) برای‌آن
چهار میلیون دلار خرج کرده، انتظار دارد لااقل ده میلیون دلار
سود خالص بدست آورد.

(ادی‌چینسنکی) واظب‌دوربین‌مخصوص است که‌جریان
آب آنرا تکان ندهد

صحنهٔ دفن جسد ملوان کشته شده، زیرآب بآرامی‌توسط
هنرپیشگان بازی میشود

این هم پاسخ نامه‌های شما...

آقای باقر خلیلی (اصفهان)

شما کسانی را بعنوان هنرمندمعرفی کرده اید که بجز مهین دیهیم وشهلا و ژاله شاید بقیه برای دسته عنتری بهتر باشند تاهنرپیشگی سینما! در ثانی ماچه موقع راجع بفیلم ولگرد چیزی نوشتیم که شما اینقدر دلخور شده اید. ولگرد هرچه بود مردم پسندیدند وفیلم را هم برای مردم درست میکنند نه برای یك عده معدود منقد که عینك بدبینی بچشم دارند وبدون جهت برهر فیلم فارسی که از استودیوها بیرون میآید، میتازند.

فیلمهای فارسی البته قابل انتقاد هستند اما نه آنقدر که بکلی آنهارابدور بیاندازیم، بهتراست درعقاید خود تجدید نظری بفرمائید.

آقای پرویز صاحب جمعی (کرمانشاه)

۱ـ جواب ارسالی شما بنوبت چاپ خواهد شد ۲ـ دبراباکت اخیرا درفیلم «شاهزاده نیل» بازی کرده است ۳ ـ نام آن هنرپیشگان نیز ری میلانـد، رابرت پرستون و نام سرکرده قلعه هم بریان دانلوی بود ٤ ـ در این شماره خواهش شمارا انجام داده ایم.

آقای بدیع سمیری (اهواز)

۱ـ طرز تهیه فیلم را ازهمین شماره شروع کرده ایم ۲ـ برندگان اسکاررا هم که درشماره چهارم شناختید۳ـاز فیلم های اخیر ژان پیراومون «لیلی» است که درآمریکا بازی کرده‌است.

٤ـبهترین فیلم جان‌وین «دلیجان» نام داشت که‌سالها پیش‌درسینماها نشان‌داده‌شد

آقای عنایت‌اله ساعدی

آن مقاله را یکبار دیگر بخوانید، مسلما بمقصود نویسنده کـه شوخی بوده است پی خواهیدبرد.

آقـای مرتضی عمارستانی (آبادان)

درپاسخ نامه‌های متعددشما: ۱ـراجع به نامرئی شدن هنرپیشه در آینده مقاله ای نوشته خواهدشد. پرواز «مردپولادین» هم ازحقه‌های سینمائی است که بعداًشرح داده خواهد شد.

۲ـ شاید قبول کنند ۳ـ شرح‌حال سامیه جمال نیز نوبتش خواهـد رسید

٤ـ بانوملوك‌ضرابی ازاین جهت درفیلم ها بازی نمیکند که دلشان نمیخواهد!

٥ـ نورالهدی وصباح نیز با هم قرابتی ندارند٦ـ هنرمندان مصری هم کم کم...

۷ـ خانم‌هورفرا هم‌نمیدانم بچه‌علت در فیلمها شرکت نمیدهند.

آقای حسین فرهی

خیلی باعث تاسف است که یك‌جوان شانزده ساله بخاطر عشق هنرپیشگـی بخواهد خودکشی کند. این اراده ضعیف شما باید قوی شود وسعی کنید که در هر کار ازراه صحیح آن وارد شویدنه‌اینکه بجای خواندن درس هنرپیشگی دست به انتحاربزنید.

آقای علاالدین دولتشاهی

مسلم بدانید که بدانستن رموز هنر پیشگی به «شاهراه سعادت» نخواهدرسید ونوشتن آن هم‌درمجله لطفی ندارد.

بهتر است شخصا بفرا گرفتن آن بپردازید.

آقای محمد مهدی محزون

کلیه پیشنهادات شما را هم بکار خواهیم بست امیدواریم ازاینکه دیر نوبت پاسخ شما رسیده، ازما گله‌مند نباشید.

آقای گودرز شیدائی

انتقادات شما به‌فیلم «آتشپاره‌یاغی» ازهرجهت وارد است.

آقای ورژ گریگوریان

فیلمهای بلیسی «الن‌لد» عبارتنداز: اسلحه کرایه ،جوردان‌خوشبخت ، کوکب آبی، کلکته، مهلکه شیکاگو، برخوردبا خطروغرش‌رعددرخاور ۲ـ«مرل‌اوبرون» درفیلم «آهنك فراموش نشدنی» رل‌مقابل کرنل وایلد را داشت.

آقای خسرو شیرازی

فیلم «چنگیزخان» از محصولات کشور «فیلی‌پین» وناطق اصلی آن نیز فیلی‌پینی بود.

دوشیزه پروین علیزاده

شماره‌اول دردفتر مجله موجوداست میتوانید مراجعه بفرمائید. راجع به حقه های سینمائی هم بعداًبطورتفصیل نگاشته خواهد شد.

آقای ناصر ترقی

علت جدائی آقای‌خالدی وبانودلکش نوشته شده وامیدواریم که هرچه‌زودتربا هم آشتی کنندویك‌شیرینی‌حسابی بمابدهند!

آقای هوشنك باقرپور (کرمانشاه)

نام رئیس وکارگردانهای کمپانیهای هالیوودبعدادرمقاله «وبدینطریق‌فیلمی...» درج خواهد شد. مطمئن باشید.

آقای فضل‌اله کامکار

هشت پیشنهاد جالب و منطقی شما باضافه سه‌سئوال واصل شد و بسیار از تشویقهای‌شما خوشوقت شدیم. حالاپاسخ سئوالات شما :

۱ـ مریاین‌مونرو درحدود پنج‌سال است که درفیلمها بازی‌میکند۲ـ آخرین فیلم ویکتور میچر «مصـری» نام دارد ۳ـ گیل‌راسل نیزچندسالی است از کار سینما کناره‌گرفته وشوهراونیز «گای‌مدیسون» نامیده میشود.

آقای ابراهیم پشه ور (بندر پهلوی)

ازاینکه ذوق‌نوشتن «پیس» دارید بسیار خوب است منتها باید این«ذوق» بامقداری استعداد و یك جو «هنر» نیز مخلوط باشدکه «پیس‌های»شما بهتر از این ازآب درآید.

مقدار کاغذی هم‌کـه برای نوشتن یك پیس بکار میرود بسته به «مایه» نویسنده است!

آقای‌هروس عابدیان (آبادان)

۱ـ«رودکامرون» آمریکائی است ۲ ـبتی گریبل‌هم‌ازسال ۱۹۳۹ واردکار سینما شده است.

آقای کریم اعقابی (تبریز)

۱ـراجع به‌هنرپیشگان مصری‌مطالبی نگاشته شده‌است۲ـ عکسهای روی‌جلدهم که تمیز چاپ‌شده۳ـ موضوع دیررسیدن نیز ازاین شماره اصلاح شده است.

بقیه‌در صفحه ۲۱

این هنرپیشه محبوب را بجرم کشیدن حشیش شصت روز زندانی کردند !!

رضا زرکش

روز ۲۰ آوریل سال ۱۹۵۱ «رابرت میچم» هنرپیشه مشهور و محبوب هالیوود را در یکی از شیره کش خانه های محلات پست نیویورك در حالیکه در اثر کشیدن حشیش از خود بیخود شده بود با اتفاق جمع دیگری از شیره کش های معروف دستگیر کردند !!

پلیس در لحظات اول پی بهویت « رابرت » نبرد و او را یکی از افراد معمولی میدانست اما بعد از آنکه دستبند بدست اوزده و از شیره کش خانه خارج کردند تا او را از جلوی مردمیکه ازدحام کرده بودند عبور دهند آه از نهاد جمعیت بر خاست زیرا پی بردند که هنرپیشه محبوب آنها با این قیافه مردانه وهیکل درشت « معتاد » است !!

کارخانه (آر.ك ئو) که قرار داد طویل المدتی با «رابرت» داشت بمحض اطلاع از این جریان باتمام قوا برای رهائی و آزادی وی اقدام کرد زیرا « رابرت » در یکی از فیلمهای این کارخانه مشغول بازی بود و علاوه براینکه هفته‌ای هزارها دلار از بابت قرار-داد به او میپرداخت مقدار معتنابهی نیز صرف تهیه این فیلم کرده بود و از اینکه ممکن بود نمایش این فیلم باشکست توأم باشد نگران بود ولی قضات دادگاه به-هیچوجه حاضر نشدند کوچك ترین ارفاقی درباره او به نمایند و پس از آنکه کوشش کارخانه برای رهائی وی مؤثر نیفتاد وکیل مدافع کارخانه از لحاظ لطمه‌ای که ممکن بود بشهرت « رابرت » وارد گردد از دادگاه تقاضا کرد که این محاکمه بطور «سری» انجام گیرد ولی با این تقاضا نیز موافقت نگردید و در یك محاکمه علنی چند ساعته « رابرت » را بجرم معتاد بودن به شصت روز زندانی محکوم کردند !!! این حبس قابل خرید نبود و « رابرت » مجبور شد که این مدت را در زندان بسر ببرد . ولی برخلاف انتظار کارخانه این امر باعث شهرت « رابرت » در سراسر امریکا گردید !! و فیلمهای بعدی وی را مردم بطور بی‌سابقه ای استقبال کردند بطوریکه اکنون این معما پیش آمده که چه سری در نهاد این هنرپیشه نهفته است زیرا روز بروز بر تعداد علاقمندانش در سراسر دنیا افزوده میگردد.

«رابرت میچم» در سال ۱۹۱۷ در شهر «بریج پورت» متولد گردید هنوز کودکی بیش نبود که پدرش را از دست داد و مادرش مجبور شد برای امرار معاش خود و دو فرزندش بشغل روزنامه نگاری مشغول گردد و از همین نقطه نظر به نیویورك سفر کردند چیزی نگذشت که «رابرت» و خواهرش ذوق و علاقه زیادی در رقصیدن و آواز خواندن از خود نشان دادند و پس از مدت کوتاهی تمرین در حالیکه «رابرت» بیش از هشت سال نداشت باتفاق خواهرش در تماشا خانه «ودویل» در فواصل برنامه ها برای تماشاچیان میرقصیدند و آواز میخواندند ولی بهمان اندازه ایکه «رابرت» به هنرپیشگی و تأتر علاقه داشت بمسافرت های ماجرائی نیز علاقمند بود و یکی از آرزوهایش این بود که مانند «مارکوپولو» بدور دنیا بگردد و با حوادث گوناگون دست و پنجه نرم نماید ! و بالاخره روزی بدین منظور بطرف «کالیفرنیا» رهسپار شد و در یك کشتی باری که به امریکای جنوبی موز حمل می کرد بعنوان پیشخدمت استخدام گردید !!

تا سال ۱۹۴۲ «رابرت» مشاغل متعددی را برای خود انتخاب کرد تا اینکه روزی یکی از دوستان مادرش او را دید و چون زندگی (رابرت) در منتهای سختی میگذشت به او قول داد وسیله‌ای را فراهم سازد تا او بتواند مشغول بازی در فیلم گردد

یکی از آخرین عکسهای رابرت میچم

اولین فیلم رابرت (دختر جنگجو) نامداشت که یك فیلم وسترن موزیکال بود. فیلمهای بعدی او به ترتیب عبارتند از:

(داستان یك سرباز) (ندای گله بان) ، (نوادا) (دزد عشق) ، (آخر وقت) (حس مخفی) ، (زن دلخواه من) ، (آتش تند) (تعقیب شده) ، (خارج از گذشته) (مدال) ، (راچل و بیگانه) (یابوی سرخ) ، (خون در روی ماه) (سرقت بزرك) (مشغولیات تعطیلی) ، (جائی که خطر وجود دارد) (خانم مورد پسند) ، (ماکائو) (سارقین زیر دست) ، (یکدقیقه بصفر) ، (گذشته فراموش شده من) ، (دکتر جادوگر) ، (فرشته صورت) (رود خانه بی بازگشت)

در این فیلم آخری همبازی رابرت میچم ستاره فتان مریلین مونرو است و چون فیلم بطریقه سینما سکوپ ساخته شده تصور میرود بزودی جزو فیلمهای پرفروش سال در آید .

اکنون رابرت میچم تحت کارگردانی (چارلز لافتون) هنرمندی نظیر آمریکائی مشغول بازی در فیلم (شب شکارچی) می باشد که از روی یك کتاب معروف و عالی اقتباس شده و در ضمن اولین فیلمی است که چارلز لافتون کارگردانی آنرا بعهده گرفته است .

نیاگارا -۲- NIAGARA

رنك از چهرهٔ روز بطرزی موحش پرید ودستی که دستکش و کیفش را گرفته بود بلرزه درآمد...

بالاخره دیگر نتوانست تحمل کند، نفس بلندی کشید واز پای درآمد در بیمارستان «روز» را به قسمت بیماران عصبی بردند. همانروز «پلی کاتلر» وقتی که بدیدن و آمده بود درآستانه دراز مشاهده رنك پریدهٔ «روز» خواست از در خارج شود ولی باشاره رئیس پلیس که دراطاق بود باز گشت.

رئیس پلیس از (پلی) سراغ شوهرش راگرفت واو پاسخ داد که (ری) بخواهش (روز) برای ترتیب وانجام مراسم تدفین جورج در کلبه مانده است.

(استارکی) متعجبانه پرسید:

ـ چراشوهرشما ؟ مگرخانم لومیس بجزشمادوست و آشنای دیگری ندارد؟ شما اطمینان دارید که دوست دیگری ندارد؟

(پلی) درابتدامردد بود ولی بالاخره اعتراف کرد که او وشوهرش یکروزدر تونل (روز) را در آغوش جوانی دیده اند.

در پاسخ سئوالات کارآگاه (پلی) فقط میتوانست بگوید که آن جوان بارانی سیاه برتن داشت و آنها صورت او را ندیده بودندبعد ازکارآگاه پرسید:

ـ منظورتان چیست ؟

می خواهید بگوئید که حالا قضیه با اولش فرق دارد؟

کارآگاه جواب داد: بلی، یك فرق کوچك، فرق میان خودکشی وجنایت.

وقتیکه «پلی» ازنزد کارآگاه باز گشت، بکلبهٔ «ب» محل سکونت سابق لومیس ها رفت پس از واقعه اخیر چون لومیس کلبه را تخلیه کرده بود بدرخواست «پلی» اثاثیهٔ ایشان باین کلبه منتقل شده بود «پلی» پس از ورود بکلبه خسته از جریانات اخیر روی تخت خواب افتاد و چنددقیقه بعدبخواب رفت.

صدائی ناآشنا (پلی) را از خواب بیدار کرد واو مضطرب روی تخت نشست مردی در آستانهٔ در آشپزخانه بود و (پلی) یك لحظه چهرهٔ اورا دید.. فریادی گوش خراش از گلوی دخترك در هوا طنین افکند زیرا این مرد (جورج لومیس) بود !

ازپشت دربشنیدن صدای فریاد (پلی) یك نفر میکوشید که داخل شود.

بالاخره سرو کله «ری» در پشت پنجره پیدا شد وبدیدن (پلی) باچندضربه شیشه ها را خرد کرد و وارد کلبه شد. (پلی) وحشت زده میکوشید که در چند کلمه همه چیزرا به شوهرش بگوید:

ـ کابوس نبود... باور کن خودم دیدم جورج لومیس بود، باچشمانم دیدم، همان جورج لومیس که جسدش را درتونل پیدا کرده اند!

پس از اینکه (ری) برای او یك لیوان آب آورد (پلی) هنوز نمی توانست اثرات وحشت را از وجودش دور کند.

بالاخره (پلی) باداره پلیس تلفن کرد گرچه کارآگاه در اداره نبود ولی (پلی) اسم خودش را گفت وتقاضا کرد بکارآگاه بگویند که پیام راجع به (جورج لومیس) است.

(پلی) درآن حال که پیام تلفنی خود را میگفت بی خبر ازآن بود که (جورج لومیس) درپناه یك بوته انبوه کنار پنجره تمام سخنان اورا شنیده است!

• • •

(غارطوفان) برای ماجرا جویان و عاشقان حادثه مکان خوبی بود در اینجا تماشا چیان ناگزیر بودند برای حفاظت از ترشحات آب عموماً بارانی در بر داشته باشند.

(ری) و (کترنیك)، دوستش، در جلو وپشت سر آنها (پلی) وهمسر (کترنیك) صحبت کنان در طول غار جلو می رفتند وبعد هنگامیکه همسر کترنیك نیز برای اینکه دریك نقطه خشك ودور ازآسیب قطرات آب سیگارش را روشن کند از «پلی» جدا شد دخترك بکلی تنها ماند، درست در همان لحظه که (جورج لومیس) برای دفت دررفتار (پلی) می خواست سرش راازخم دیوار جلوبیاورد دخترك نیز چشمش باو افتاد پیکر شبح مانند (جورج) ازپیچ دیوار گذشت وبسوی (پلی) جلو آمد. درغرش کرکننده آبشار هاصدای جیغ گوش خراش دخترك از چندمتر تجاوز نکرد.

(پلی) وحشت زده بر گشت و در سمتی که شوهرش باکترنیك ناپدید شده بودند آغاز دویدن کرد.

هجوم قطرات درشت آب یك لحظه اورا متوقف کرد ولی بازوحشت مرك او را بجلو راند. بالاخره در روی یك پل مرطوب ولغزنده پای دخترك لغزید وبشدت برزمین افتاد. باقلبی مملو از وحشت درحالیکه نفس درسینه حبس کرده بود به بالا نگریست وجورج لومیس را در کنار خود ایستاده دید.

پنجهٔ عصبانی جورج بازوان پلی را گرفت واورا ازروی پل بگوشه یك شکاف درديوار غار کشید.

(پلی) باوحشت گفت: درتونل هاتو آن مردرا کشتی!

«جورج» باشلق بارانیش را عقب زد وبا خونسردی گفت : کار دیگری نمی توانستم بکنم. ناگهان آن مردرا روبروی خودآماده برای کشتن ویا کشته شدن دیدم ..

دراین موقع اوروی گونه وپیشانیش جای دوزخم عمیق وتازه را بدخترك نشان داد:

ـ قاعدتاً می بایستی من کشته شده

جرج گفت : پلی، تو تنها کسی هستی که میدانی من زنده هستم

باشم نه او ... ولی خوب، این طور شد!

(پلی) درحالیکه قدری تسکین یافته بود گفت: اگر بخاطر دفاع ازخود او راکشتی پس چرا خودرا به پلیس معرفی نکردی؟

جورج بی‌اعتنا ادامه داد: لباسش‌را پوشیدم وبشکل مردیکه‌درنظر همه‌مرده واز بین‌رفته‌است‌ازتونل‌خارج‌شدم. حالا می‌توانم بروم یکجائی وزندگی‌رادوباره آغاز کنم.

سکوت ناگهانی جورج غیرمنتظره بود. دوباره گفت: فقط اگر توبمن کمك کنی... (پلی) توتنها کسی‌هستی که‌میدانی من زنده ام. بگذار من همچنان مرده باشم!

(پلی) گفت: همسر توهم میداند. پلیس جسد (تدپاتریك) را پیدا کرد و آنرا به (روز) نشان داد. او اکنون در بیمارستان‌است ولی‌وقتیکه ازآنجابیرون آمد همه چیزرا خواهدگفت.

جورج سرش را تکان داد: نه، روز حرفی نخواهد زد زیرا پای خودش هم بمیان کشیده خواهد شد.

نه ... میدانم که (روز) حرفی نخواهد زد... شاید بشهر دیگری برود ودوباره درهمان بارها وکلوب‌های‌شبانه زندگی‌را ازسر گیرد.

ازدور صدای(ری) ودیگران‌بگوش میرسیدکه درهم و برهم (پلی) را صدا میزدند.جورج بازوی اورا فشرد وملتمسانه گفت: (پلی) بگذار درنظر همه همچنان مرده باشم.

(پلی) بالحن آمیخته بتاسف گفت: ـلطفاً بازوی مرارها کنید.

جورج باهمان‌نگاه متضرعانه‌اطاعت کرد وپس‌ازاینکه‌یك‌نگاه دیگر به(پلی) کرد باعجله‌دورشد.

بعدازظهر آنروز (پلی) و(ری) به خواهش دوستانشان «کترنیك» ها،خود را برای فردا ویك گردش بزرك‌آماده می‌کردند. شب وقتیکه (پلی) برای استراحت وارد کلبه می‌شد رئیس پلیس را درآنجا منتظر خوددید.

اولین جمله ایکه (پلی) ازوی‌شنید این بود که (روز) از بیمارستان ناپدید شده است!

کارآگاه می‌گفت با آنکه داروی مخدر بمقدار زیاد بوی تزریق شده بود ولی بعلت وحشت‌یاتاثرات درونی دیگر بخواب نرفته و از بیمارستان گریخته است. فکر «پلی» بعقب برگشت. حالا می‌توانست بفهمد که چرا جورج میل‌دارد همه اورا مرده تصور کنند؟

جرج گلوی «روز» را میان پنجه‌های‌خود گرفت.

چرا اواز حوالی این دهکده‌مرزی دور نمیشود وبالاخره چرا وقتیکه(پلی) درخواب بود جورج مخفیانه وارد کلبه شده بود؟آری جورج‌خیال داشت همسرش را بقتل برساند.

درهمین حال (ری) دررا باز کردو داخل شد «پلی» طاقت نیاورد و فریاد زد:جورج لومیس زنده است، او میخواهد همسرش را بقتل برساند. (روز) هم‌این را میداند!

(ری) باخونسردی گفت: بس کن‌پلی من ازاین جریان خسته و عصبانی هستم‌و آنوقت کابوس‌های عجیب تونیز مزیدبر علت است. ماباید هرچه زودتر ازاینجا عزیمت کنیم.

کارآگاه باخونسردی دررا باز کرد وپس از خدا حافظی خارج شد. بعد از رفتن او (پلی)وحشت زده بدنبالش‌دوید فکرش‌درهم وآشفته بود.اگر (روز)- لومیس) بقتل میرسید این خطای (پلی) بود که زنده بودن جورج را بکارآگاه نقبولانده بود.

رئیس پلیس درحالیکه کنار اتومبیل خود ایستاده‌بود اظهارات (پلی) رابدقت شنید و بعد بوسیله تلفن اتوموبیل به تمام پاسگاه های پلیس مرزی اطلاع داد تا نگذارند (جور- لومیس) یا همسرش از مرز کانادا وارد اتازونی شوند.

برای(روز) یك‌بازی خطرناك‌آغاز شده بود. وی دیگر ناگزیر بود که همیشه ازشوهرش وپلیس بگریزد ومخفی باشد و وقتیکه در صف مسافرین اتوبوس شیکاگو ایستاده بود ازمسافر پشت سری خود شنیدکه پلیس جداً در تعقیب همسر (جورج لومیس) است.

(روز) بی اراده ازصف خارج شدو درخیابان براه افتاد. قدری بالاتر سوار تاکسی شد وبرای رسیدن به‌پل به‌راننده دستور دادکه در کنار پیاده روی مقابل ونزدیك (برج زنك) متوقف شود.

دراینجا بودکه (روز) پس‌از پیاده شدن به‌پشت سر خود نگریست‌و«او»را دید. چشمان سردومنجمدجرج بدون‌انحراف اورا می‌نگریست.

نفس (روز) بند آمد. بسرعت خود را درپناه یکدسته زعابرین کشید واز کنار آن‌ها وارد برج گردید. اولین‌پله هارا باشتاب بالا رفت وخود را به تلفن رسانید. دربرج سکوت کامل حکم فرما بود واحدی ازمسافرین در آنجا دیده نمیشد.

دستهای مرتعش (روز) بسرعت کیفش را برای‌یك‌سکه پول خردجستجو کرد ولی بجز یك‌سکه درشت نیم‌دلاری چیزی نیافت. جورج لومیس بآستانه در رسیده و تازه داشت از پله ها بالا میآمد.

(روز) دست ازتلفن برداشت و از پله‌های طبقه اول بسرعت بالا رفت و چون جورج باخونسردی هم چنان بدنبال او بود طبقه‌ها را یکی پس از دیگری زیر پانهاد. بالاخره خودرا باطاق‌زنگهای برج رسانید ودررا پشت سرخود محکم بهم کوفت.

هنوز چنددقیقه از ورودش نگذشته بودکه بصدای دستگیره صورتش را برگرداند جورج لومیس خونسرد وبدون عجله جلو می‌آمد و(روز) آنقدر عقب رفت‌تاپشتش بدیوار خورد. نگاه جورج بطنابك های سنگین که دربالای سرش آویخته بود افتاد وبه (روز) گفت: چقدرمایهٔ تاسف است که این زنگها برای تو بصدا در نخواهند آمد!

آنروز صبح زود باکشف جسد(روز)

بقیه داستان

لومیس) یك جستجوی پردامنه درحوالی آبشار نیاگاراو(برج زنك) آغاز گردید مخصوصاً ازمرز اتازونی و کانادا بدقت مواظبت‌می‌شد تا جورج بـرای عبور از مرز وورود بآمریکا فرصتی نیابد.

برای (کاتلر) ها ودوستانشان آن روز روز گردش بـزرك بود. صبح زود قبل از کشف جسد (روز) آن ها برای ماهیگیری عـازم شده بودند و نزدیك ظهر قایق مـوتوریشان‌را درساحل خلیجی نگاه داشته وبرای تهیه بنزین، غـذا و آبجو هریك بسمتی رفته بودند.

پس‌از دور شدن همهٔ ایشان، جورج لومیس ازپشت یك بوته بیرون آمد وبه کلبه ایکه درآن حوالی بود نزدیك‌شد درکلبه قفل بود وجورج با چکشی که در دست داشت شروع به متلاشی کردن قفل نمود. طولی نکشید که قفل خورد شد و جورج نفس زنان‌جلوی درکلبه روی‌زانو نشست.درهمین موقع‌بود که (پلی) ازدور بایك سبدپیداشدوبدون‌اینکه‌جورج‌را ببیند وارد قایق گردید و بانتظار دیگـران نشست،جورج‌لومیس‌درآستانه در روی پا ایستاد وبالحنی تهدید آمیز فریاد زد،

ـزود ازقایق خارج‌شو!

(پلی) برگشت واورا دید. جورج باسرعت بسوی قایق دوید و بدرون آن پرید وبی‌تامل‌قبل ازهرکار دکمه‌استارت رافشرد. موتووقایق‌شروع به غرش‌کرد وجورج دوباره‌فریاد زد: از قایق خارج می‌شوی یانه ؟!

وحشت (پلی) بیش‌ازآن بود که‌قادر به‌تکان خوردن باشد وجورج چون وضع اورادید باخشونت اورابکناری زدوپشت رل‌قرار گرفت. قایق آهسته‌براه افتادو تازه می‌خواست سرعت بگیرد که جورج بطرف‌پلی برگشت وگفت: طوری‌نشدی؟ چشمان (پلی) درخشید:

ـ نه، طوری نشدم ولی بهتر است قایق‌رابرگردانی وخودت‌رابه‌پلیس‌معرفی کنی!

(جورج) دکمه پیراهنش‌راباز کردو شال‌گردن (روز)را بیرون کشید:

ـ برای‌اینکار قدری‌دیرشده... من (روز) را کشته‌ام!

(پلی) باوحشت بی‌پایان به چشمان جورج خیره‌شده بود.

مطابق نشانی هائی که یك‌قایق‌ران به‌پلیس داده‌بود قایق (جورج) و (پلی) رادر قسمت علیای رودنیاگارادیده‌بودند ویك‌قایق بلادرنك ازجهت روبروی‌آنها براه‌افتاد.

وقتیکه (جورج) قایق پلیس را روبروی خود دید رل راگرداند و قایق

«روز» میخواست تلفن کند اما...

چرخی خورد و در امتداد جریان طبیعی رودخانه بحرکت‌درآمد.

میان دوقایق فاصله رفته‌رفته داشت بیشتر می‌شدکه یکدفعه موتورقایق‌بسرفه افتاد. آخرین‌قطره‌های بنزین بپایان‌رسید وقایق با جریان آب کم کم سرعت گرفت وواردمنطقه خطرناك آبشار هاگردید.

قایق‌پلیس بمرزناحیهٔ خطرناك‌رسید و چون عبور ازآن مرز ممنوع و بسیار خطرناك بودچرخی زدو بازگشت.

جورج بی‌صبرانه درقایق‌بدنبال‌حلب بنزین می‌گشت وقایق همچنان به آبشار هاکه‌حالا دیگر چنان‌دور نبودند نزدیك می‌شد.

ازدو طرف ساحل در حدود یکربع میل فاصله‌بود. (پلی) تصمیم‌خطرناکی گرفت،کفش هایش را بکناری افکند و شروع به بیرون آوردن بلیزش کرد. جورج باخشونت بازویش‌راگرفت:

ـهرگز بآنطرف‌نخواهی رسید. و برای اینکه گفته‌اش راثابت کندیك‌جعبهٔ خالی رادر آب افکند. جعبه ابتدا روی آب مقداری بآرامی پیش رفت نـاگهان جریانی‌شدید وپنهانی‌آنرا اززیردر میان گرفت ودریك لحظه ازنظر ناپدیدکرد چشمان (پلی) ازاشك پرشد. آخرین امیدش ازمیان رفته بود.

یکدفعه در حرکت قایق اغتشاشی روی داد ویك‌تکان شدید(پلی)وجورج را بکناری افکند. ازدوطرف‌دوموج‌قوی به‌قایق خورد و سیلی از آب روی قایق ریخت(جورج) چکشی‌از کف‌قایق‌برداشت وبزحمت ازجا بلندشد.

(پلی) بی‌حرکت به‌جورج‌وحرکاتش می‌نگریست، جورج روی کف قایق خم شدو باچکش به‌جان تخته های کف آن افتاد،لحظه هائی پراضطراب می گذشت. ازآبشار هااکنون بیش‌از صدیارد فاصله نداشتند. تختهٔ قایق از جادرآمدوآب بدرون قایق‌فوران‌زد.جورج پیروزمندانه برخاست:

ـ اگر قایق باندازه کافی سنگین گردد شاید قدری ازاین سرعت‌جهنمی کم شود.

قایق بدور خود میچرخیدوهرلحظه بیشتر درآب فرو میرفت بالاخره‌بایك حرکت شدید به بدنهٔ صخره‌ایکه ازآب بـیرون بود برخورد وگردآن شروع بگـردش کرد.

جورج ازحاجت وبریدگی سنك را با دودست گرفت. بدن جورج مثل پل، قایق وصخره را بهم مربوط‌کرده بود و (پلی) از روی‌این‌پل‌جاندار گذشت‌وروی تخته سنك ایستاد، قایق تکانی خورد و جورج برجستگی سنك‌را رهاکرد. (پلی) برای‌آخرین بار بچشمان جورج نگریست وفهمیدکه او قصد ندارد برای نجات‌خود کوشش وحرکتی نماید.

قایق تلوتلوخوران روبه آبشارها میرفت کف‌های سفید و غرش رعد آسا آنرااز نظر پنهان کردند. اهریمن‌نیاگارا دهان بازکرد وطعمه خودرا بلعید...

* * *

یك هلیکوپتر (پلی) را از روی تخته سنك‌بآسانی نجات داد واو دربانك کانادا به شوهرش و رئیس پلیس ملحـق گردید. درآنجا پس از معاینه پزشك، یك‌قهوه گرم‌نیروی‌ازدست رفته رابدخترك باز داد وبعد ازیك خدا حافظی گرم او وشوهرش‌ازکارآگاه جدا شدند وازبانك بیرون‌رفتند.

وقتیکه زن‌وشوهر جوان دورشدند کارآگاه بکنار پنجره رفت و محـو در تماشای‌آبشارها گردید.زندگی باهمه‌زشتی وزیبائی درکنارآبشارها جـریان داشت ولی نیاگارا بی‌اعتناوپاك، مثل همیشه،تنه سنگینش‌را ازآن‌بلندی‌سرازیرمی کرد...

پایان

آرشه مناسب برای آهنك «رقص‌مردگان!!»

دزد دریائی است یا دزد خنده؟!

این آدم «نره غول» که بلباس دزدان دریائی قرن هفدهم در آمده و میخواهد باخنجر خود حریف نامرئی را بقتل برساند، درحقیقت یکی از کمیك‌ترین هنرپیشگان آمریکائی است وشما بدون اینکه ازپرچم مخوف وشمشیر بلند وشش‌لول های بزرك او بترسید، شجاعانه نامش را روی کاغذی بنویسید وهمراه بادوریال تمبر باطل نشده برای ما بفرستید تاماهم به‌شش نفر ازشماشش جایزه دوماهه مجله تقدیم کنیم.

برندگان مسابقه شماره سوم

دراین مسابقه عده زیادی در حدود پانصد نفر شرکت کرده بودند که پاسخ اغلب آنان صحیح بود و از میان آنها اشخاص زیر بقیدقرعه دوماه مجله شده‌اند:

۱ــ عباس دواچی (مشهد)
۲ـ محمود زمانی (تهران)
۳ـ قاسم قوی پنجه (تهران)
٤ــدوشیزه مهین جبارزاده (تبریز)
٥ــ اندرانیك مانوسیان (اهواز)
٦ ــدوشیزه پروین‌صولت(تهران)

ازبرندگان فوق تقاضا میشود که آدرس صریح خودرا هرچه زودتر بدفتر مجله اطلاع دهندکه جوائز آنان‌ازشماره بعد ارسال شود.

نسبت بفیلمهای ایرانی چه‌نظری دارید؟

هر ماه یك یا دو فیلم ایرانی در سینما های تهران بمعرض نمایش گذارده می‌شود در بین تماشا چیان از هرصنف وطبقه عقاید گوناگونی در باره این فیلمها بنظرمی‌رسد مااین عقاید و نظریات رابمسابقه می گذاریم وازعموم خوانندگان خود انتظار داریم که‌در این مسابقه‌اجتماعی شرکت‌جویند، علت‌خوش‌آمدن‌یابد آمدن‌صحت یانقص و بالاخره همه‌چیز این گونه فیلمها را واین‌که چه‌باید کردتا درآینده سینمای ملی ما بمنتهای عظمت خود برسد برای بنویسند و همراه با ۳ ریال تمبرباطل نشده بدایره مسابقات ارسال دارند و درعوض بسه جوابی که‌بانظر هیئت تحریریه بهترین جوابها شناخته شوند بترتیب یکسال وشش‌ماه وسه‌ماه مجله تقدیم میداریم، مشروط براین که‌مطلب ارسالی ازیکستون تجاوزنکند.

پاسخهای رسیده بنوبت بچاپ خواهد رسیدمدت این مسابقه سه‌ماه‌است.

جواب چهارم

هرچند سینمای ما هنوز جوان و در اوایل کاراست ونباید انتظار بیشتری از تهیه کنندگان داشت ولی اگر مدیران استودیوها اندکی به‌خواسته های اجتماع ومردم توجه نمایند ووظیفه خطیر خودرا بررسی نمایند وبا همین وسایل کم دست به‌تهیه فیلمهائی که مبارزه بافساد رانشان بدهند بزنند و روش صحیح زندگی را بمردم بیاموزند تااندازه‌ای وظیفه خودرا به‌اجتماع ادا نموده‌اند.

متاسفانه تا کنون فیلمهائی که تهیه شده نه تنها تهیه کنندگان رعایت نکات فوق رانشودندبلکه موضوع‌هائیکه مادر جریان روز با اقسام مختلف آن مواجه میشویم که عبارتند ازعدم تربیت، نداشتن فرهنگی صحیح وغیره میباشدکه در اثر نبودن این دوصفات هرروز اجتماع مادر این‌قهقرا سوق میخورد وشالوده‌خانواده ها واژگون میشود.

در فیلمهای ایرانی نکات فوق را برای فیلمبرداری انتخاب می کنند دراین صورت لزومی ندارد که تماشاچی دوساعت وقت خود را صرف دیدن اتفاقاتی که با چشم خود آنهارا در اجتماع مشاهده می کند بنماید.

نقص بزرگی که در کلیه فیلمهای ایرانی مشاهده میشود همانا سوژه های یکنواخت وسناریوهای نظیرهم میباشدکه وقتی تماشاچی کمی به موضوع فیلم‌وارد میشود میفهمد که پایان آن بکجا منتهی میشود.

نکته جالب توجه اینست که درکلیه فیلمهای ایرانی یك صحنه کافه و رقص عربی جزو برنامه شده بطوریکه درفیلم های دراماتیك هم صحنه رقص دیده‌میشود و عدم رعایت این موضوع همانا وارد نبودن تهیه کنندگان ونداشتن مطالعه کافی درشغل‌خود میباشد وتنها راهی که‌میتواند مدیران استودیو هارا ازسود پرستی باز داشته ووادار به خواسته اجتماع ومردم نماید استقبال نکردن‌ازاینگونه‌محصولات میباشد.

م • جفاریان

گاو باز احتیاط کار

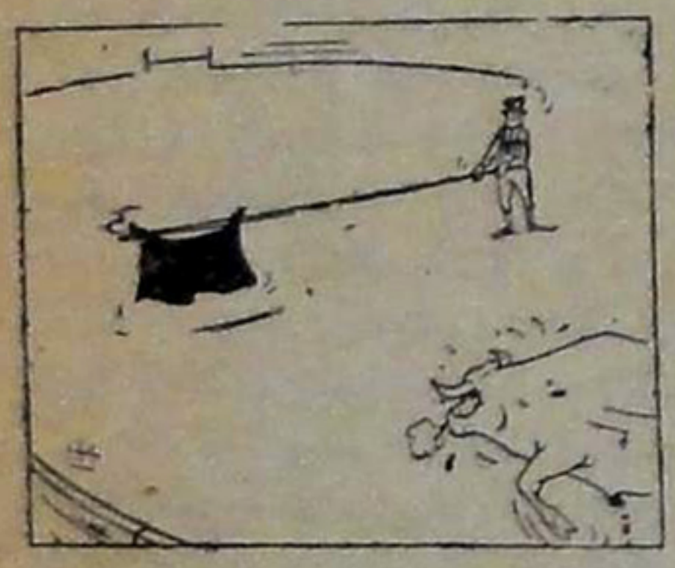

اگر «بوب‌هوپ» بخواهد در یك فیلم اسپانیولی شرکت کند صحنه گاوبازی آن مسلماً چنین‌خواهد بود!!

چاپخانه گهر
خیابان سعدی
کوچه دکتر بهرامی

قابل توجه شرکت کنندگان درمسابقات

۱ ــ تمبرهای ارسالی را روی پاکب نچسبانید، بلکه‌درون پاکت بگذارید. ۲ ـ اسم‌و آدرس خودرا صریحا مرقوم فرمائید. ۳ ــ برندگان هرمسابقه سه شماره بعد از آن شماره ای که مسابقه درآن طرح شده تعیین خواهندشد. ٤ ــ روی پاکت مسابقه‌بنویسید (دایره مسابقات).

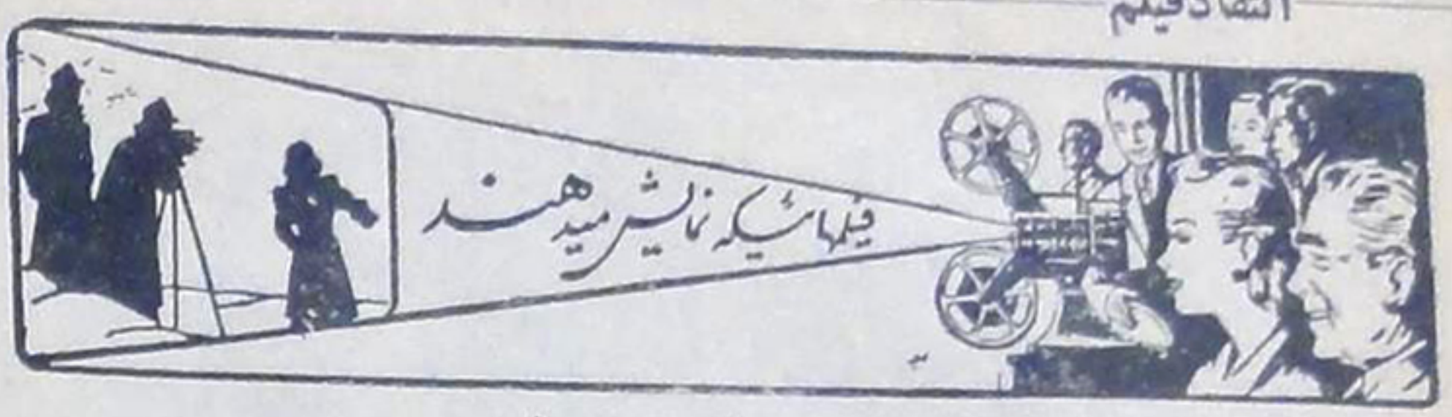

دختری از شیراز

بازیکنان: پناهی - آرمان - مهین - سیروس - عقیلی - دوستدار - پرخیده - کارگردانی ومونتاژ از: ساموئل خاچیکیان - محصول استودیو دیانافیلم

باید باستودیودیانا فیلم تبریك گفت. تاکنون مبداء و مقیاس برای سنجش خوبی وبدی فیلمهای ایرانی فیلم « ولگرد » بود اما اکنون دیگر این مسئله منتفی شده است . « دختری از شیراز » را میتوان پیشرفت سریعی در کارفیلمبرداری ایران واستودیو دیانا فیلم دانست .

« دختری از شیراز » ازلحاظ صدا ونورومونتاژ بقدری خوب ازآب درآمده که کشورهای خارجی آنرا قابل نمایش در مملکت خودشان دانسته و بزبان فرانسه دوبله کرده‌اند . این افتخاری برای ایران وکسانی است که آن‌را بازحمات ومشقات فراوان ساخته‌اند . در شماره سوم نوشته بودیم که استودیو دیانا فیلم « تاکنون » نتوانسته است فیلم جالبی بروی پرده بیاورد وحق‌هم داشتیم ، حالاهم‌مینویسیم که استودیوهای دیگر نتوانسته‌اندفیلمی بخوبی «دختری ازشیراز » نمایش بدهند وبازهم حق باماست .

باوجود اینها « دختری ازشیراز » را نباید یك فیلم بتمام معنی کامل‌دانست. ایراد وانتقاداتی براین فیلم وارد است که میباید درآثار بعدی مورد توجه‌قرار گیرد . ازلحاظ کلی عکاسی فیلم خوب و صاف وبدون عیب‌است . دربعضی‌صحنه‌ها انسان بیاد فیلمهای خارجی می افتد اما نوری که برای صحنه‌ها تنظیم شده بعضی اوقات با «افه»ئی که‌میخواسته‌اندبدست بیاورند ، تطبیق نمیکند . در اوائل‌فیلم که عایشه (فرح‌پناهی) درخیابان‌مشغول گدائی است ، بخوبی ملوم است که یك نورافکن قوی حرکات اورا تعقیب‌میکند واطراف او (خارج ازکادر نورافکن) بکلی تاریك است .

صحنه های دیگری نیز هست که در آنها باچنین مسئله‌ای‌برخورد میکنیم‌ولی تمام این عیوب در قسمت اول فیلم بیشتر نمودار است . صدا «اکو»ی زیادی‌دارد وگوئی دریك‌مکان خالی ازسکنه صدا برداری شده است چون انعکاس صدا به خوبی بگوش میرسد و لازم است که این این‌عیب هرچه‌زودترمرتفع شود. شستشوی فیلم بدقت انجام گرفته وازاین‌لحاظ‌جای هیچ ایرادی باقی نگذارده است اما مسئله مهمتر تجزیه فیلم از لحاظ هنری است سناریورا بطور کلی میتوان بدوقسمت کرد . قسمت اول بایك آنتریك معمولی شروع میشود و بازی و آکسیون یکنواخت تا اواسط فیلم ادامه دارد بطوری که تماشاچیان خیال میکنند تاپایان داستان همینطور خواهد بود اما ناگهان پس‌ازصحنه بالت ورقص‌دسته‌جمعی ورقص قفقازی ، صحنه برمیگردد وتا پایان فیلم انتریك آن بشدت قوی‌میشود وحوادث فیلم پشت‌سرهم تماشاچی‌راجذب میکند وازآن خستگی اولیه درمیآورد . قسمت دوم فیلم ازلحاظ فنی نیز نسبت به قسمت اولش برتری‌دارد . دراین قسمت وقایع بیشتر به‌یکدیگر ربط‌دارندومونتاژ نسبتا ماهرانه‌ای که‌کارگردان فیلم — « خاچیکیان » انجام‌داده ، فهم‌ایده کلی فیلم‌را آسانتر میسازد واگر چند نفری‌در قسمت اول فیلم‌بی‌تابی بخرج داده‌وآنرا همپایه سایر فیلمهای ایرانی بدانند ، در قسمت دوم حرف خود را پس میگیرند . بازی وکلیات صحنه فیلم‌دختری ازشیراز شباهت زیادی بفیلمهای اروپائی دارد و روی همین اصل است که آنرا برای کشور های خارجی دوبله کرده اند . بر خلاف نظر عده‌ای متعصب ، این‌عیب فیلم نیست زیرا داستان رنك‌اصلی و محلی خود را حفظ کرده ودرضمن طوری ساخته شده‌که خارجیان نیزآنرا خواهند پسندید. بازی هنرپیشگان جالب است. آرمان ، مهین ، عقیلی ، سیروس ، پناهی وپرخیده‌هر کدام سعی کرده اندکه حتی‌المقدور رل خودرا خوب بازی کنندوشایدموفق‌هم شده‌باشند اما دوعیب کلی درکار همه آنها وجود دارداول اینکه حرکات‌وصحبت‌های بازی‌کنان بطور برجسته‌ای کنداست‌وتماشاچی ازاین کندی تااندازه‌ای خسته میشودثانیاً صحبت کردن هنرپیشگان بایکدیگر بیشتر شباهت به «دکلاماسیون»دارد وباصطلاح عامیانه،« کتابی» حرف میزنند ودرضمن مکالمات مطالبی میگویند که‌شاید چندان طبیعی نباشد . این‌عیب ازسناریو است که مکالمات آن بطرز ضعیفی نوشته شده وغیرعادی بنظر میرسد . بعقیدهٔ مالازم است که‌کارگردان فیلم این دونکته مهم را درآثار بعدی خود رعایت کند که کار او ازهر جهت ارزش‌داشته باشد. مونتاژ فیلم برخلاف سایر محصولات فارسی ، همانطوری که ذکر گردید ، نقش مهمی دربیان وتوضیح حوادث فیلم بازی میکند وانصاف باید داد که برای اواین بارمونتاژ توانسته‌است در ایران ارزش خود را به مردم بشناساند واین هم از محسنات این فیلم وزحمات کارگردان آن است . بعضی ازصحنه‌های ابتکاری مثل‌صحنه آخر که‌ترن دور میشود بطرز ماهرانه‌ای ساخته شده وچنانچه نظیراین‌صحنه‌های‌خارج ازدکور بیشتر در فیلمهای ایرانی مورد استفاده قرار گیرد ، ارزش‌آنهارا از لحاظ‌حقیقی نشان دادن داستان ، بالاترخواهدبرد .

یك لباس شیك ومدرن

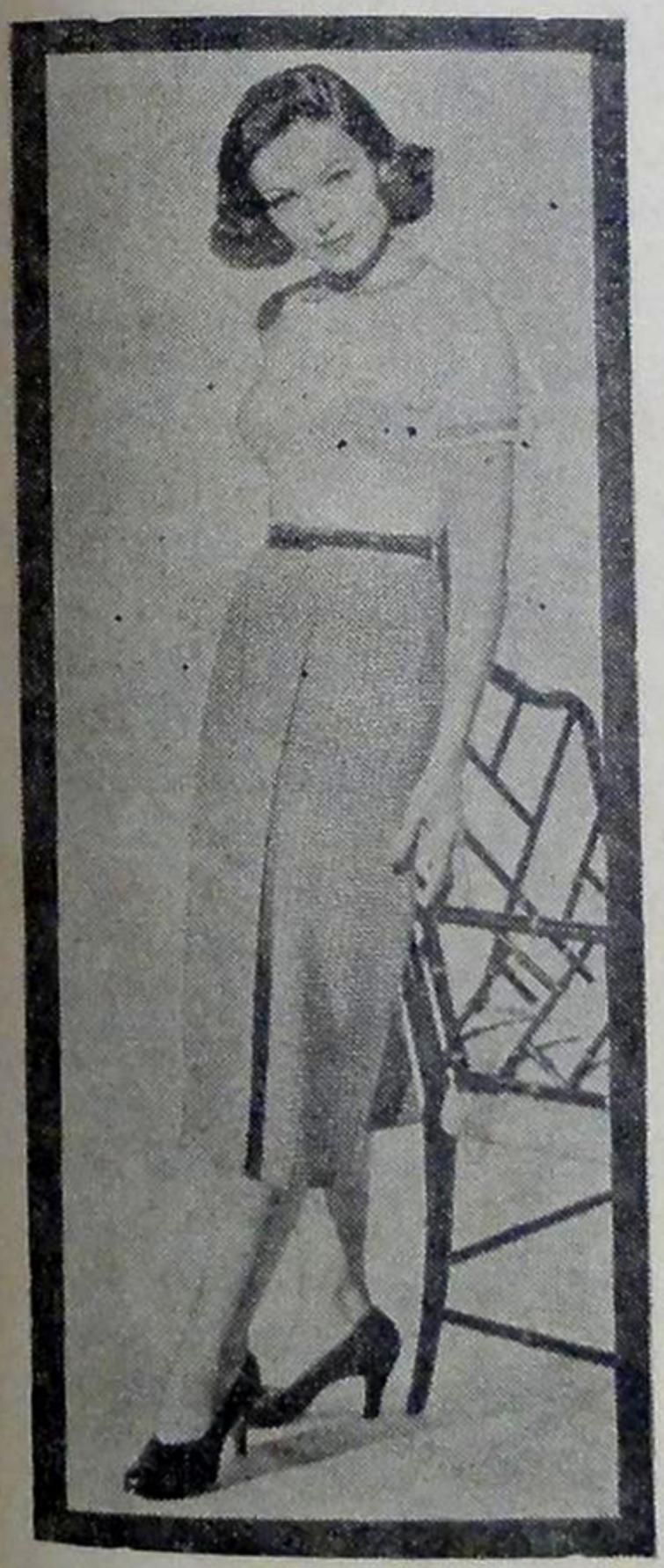

«جین تیرنی» ستاره معروف هالیوود این بلیز ودامن تابستانی‌را بعنوان زیباترین لباس برای بانوان و دوشیزگان ، در اواخر بهارو اوائل‌تابستان‌معرفی‌میکند.

این هم پاسخ...

بقیه ازصفحه ۱۴

آقای ناصر رجائی

علت اینکه چرا عکسهای آقای ناصر ملك مطیعی درتمام عکاسخانه‌های تهران پشت ویترین نصب شده برما هم مجهول است! به‌شایعات غیر واقعی نیز اهمیت ندهید.

آقای اکبر گیوه چی

به‌سراغ آنهاهم خواهیم رفت. راجع به‌سایر مطالب نامه شما باید گفت کـه تقریبا درست است واز دوسه شماره قبل رعایت شده.

آقای پرویز مروتی

۱ـ سناریو نویس‌ها برای این سناریو های خوب تهیه نمی کنند که بلدنیستند! ۲ـ بهتراست نامه های‌خودرا بزبان کشور مقصد بنویسید ۳ـ راجع به‌هفتگی کردن مجله عده هواخواهان آماده زیاد میباشد وباید اینکار حتما انجام شود.

آقای بهزاد وثوق (کرمانشاه)

۱ـ ازاینکه معنی بعضی لغات‌خارجی را نمیدانید نباید خجالت بکشید. معانی آنها بتدریج در فرهنك سینمائی نوشته خواهدشد ۲ـ درباره‌تله‌ویزیون چون‌اقلا تاده سال دیگر بایران نخواهد آمد، نوشتن مقالات فایده ای ندارد ۳ـ عکس نویسندگان مجله ؟! ممکن نبود خواهش مردم پسندتری‌میکردید ؟!

تکنیك های...

بقیه ازصفحه ٤

به «تله‌ویو» موسوم گردید. یك‌سینمای کامل برای این فیلم ساخته شدکـه هـر تماشاچی یك پرده مخصوصی داشت ودر اثر هماهنگی دریـچه دوربین نمایش‌با پرده، تماشاچی فیلم متحرك وبرجسته‌ای میدید. این اختراع جنبه‌تجارتی نداشت زیراگران تمام میشد و چون برای هـر تماشاچی پرده مخصوصی‌لازم بود وصدای موتور ها گوش را اذیت میکرد، آنرا رها کردند.

در اواخر سالهای قرن‌نوزدهم‌بیشتر کوشش‌ها روی تکمیل فیلمهای معمولـی ومسطح متمرکز بود ودر نیمه اول قرن بیستم منظور فیلمبرداران تکمیل صدا و رنك بوده است اما فکراختراع ونمایش فیلم‌های برجسته قابل استفاده عموم‌هرگز ازخاطره‌ها محو نشد.

ناتمام

آگهی اداری

برای اطلاع عموم

چون اخیرا شنیده‌شده است که بعضی اشخاص خودرا نماینده یا خبرنگار این مجله معرفی نموده وسوء استفاده هائی کرده اند لذا بکلیه بنگاهها و اشخاص وادارات‌اطلاع داده میشود که نمایندگان و مخبرین ما دارای معرفی نامه رسمی ممهور بمهر مجلـه و کارت خبرنگاری هستند وچنانچه اشخاص دیگری خود را بجای آنها معرفـی نمایند، اداره مجلـه مسئولیتی نسبت بـه‌رفتار و گفتار آنها بعهده نمیگیرد.

ستاره سینما در مسجد سلیمان

نمایندگی‌مجله ستاره سینما درمسجد سلیمان بعهده بنگاه مطبوعاتی آقای‌عباس کریمی است.

برای خرید واشتراك مجـله ستاره سینماوسایر امور مربوطه بایشان مراجعه فرمائید.

این هنرپیشه ایرانی

بقیه از صفحه ٥

وبرای اینکه مردم (مزاحم)آنها نشوند شب وروز در تابستان وزمستان با عینك دودی‌تیره‌درمکانهای‌پرجمعیت‌پرسه‌میزنند!! آرمان باآنکه بالغ بردهسال‌سابقه‌تآتری دارد عقیده‌منداست که بایدروز بروززحمت بکشد ونواقص کارخودرا رفع کند.

آرمان مانند ارامنه دیگرآنطورکه باید بر زبان فارسی مسلط‌نیست و بهمین جهت صدای اورا درفیلمها دوبله‌میکنندو تنها آرزویش اینست که این‌نقص‌جزئی را نیز باپشتکار خستگی ناپذیر رفع نماید.

درسینما

زن تماشاچی به‌شوهرش- تو که‌میگفتی آخر فیلم خیلی خوب تمام میشود؟!!

و بدین طریق...

بقیه ازصفحه ٦

وقایع‌زندگی‌عده‌ای‌تهیه کننده، کارگردان، دکورساز، سناریست وسایر کارکنان فنی وغیرفنی‌استودیو محسوب میشود زیراتمام امیدوآمال آنها برای زندگی آینده در آن‌محصول جمع‌شده‌است.

بعضی‌ها برای اولین‌بار شروع بکار کرده‌اند وبرخی میخواهند خاطره‌موفقیت های قبلی‌را تازه گردانند. رویهمرفته‌همه میخواهند تهیه کننده بشوند. کارگردانها میل‌دارند این سمت‌را بدست آورند تـا بودجه وبازیکنان ووسائل فنی کاملاتحت اختیار آنهاباشد، سناریست‌هامیخواهند تهیه کننده بشوند تا بقول خودشان بهتر بتوانند افکارخودراروی پرده‌شفاف‌سینما منعکس نمایند. بازیکنان تصور میکنند اگر خودشان تهیه کننده فیلمی باشندبمیل خودشان داستان، هنرپیشگان‌درجه‌دوم، فیلمبردار و کارگـردان را انتخـاب وفیلمی مطابق سلیقه شخصی خودشان به مردم عرضه خواهند کرد، باوجود این تهیه یك‌فیلم‌خوب فقط از عهده‌کسانی بر میآیدکه علاوه برتجارب وعلم اینکار، دارای قدرت‌تخیل وافق دید وسیع باشند واحتیاج‌مردم را درك کنند.

ناتمام

این مهندس...

بقیه ازصفحه ۱۰

خارق‌العاده اوزبانزد خاص وعام بـودبه اشتراك (تونی کرتیس) و(جانت‌لی)تهیه کرد واز این راه شهرت بیشتری بدست آورد.

اکنون وی درحال تهیه فیلم علمـی جدیدی است بنام (تسخیر عالم) که‌باز هم طراحی‌وتهیه‌صحنه‌های‌عظیم‌وپرهیجان آنرا شخصا بعهده دارد.

جرج‌پال مردی ساکت وپـرکار و فروتن است. همـروی (روکاگراندجین) معشوقه دوران جوانیش میباشد. این‌زن وشوهر مجارستانی فعلا به تابعیت‌آمریکا درآمده ودراین کشور زندگی میکنند.

این شماره‌درتهران استثناً عصر دوشنبه منتشر شد

این‌مجله آگهی میپذیرد

آیا سینمای فرانسه در حال نابودی است ؟...

تجزیه وتحلیل شکست موقتی سینمای فرانسه در سالهای اخیر ومعرفی عناصر جدیدی که به بقای آن کمك کرده، کار چندان ساده‌ای نیست. درسالهای قبل از جنك بین المللی اخیر سینمای فرانسه مانند سایر کشورها ، هواخواه زیادی داشت . در آنروزها از مردم خسته امروز و تله - ویزیون خبری نبود . سینماها همیشه عده زیادی را بدرون خود میکشیدند و مردم را راضی وخشنود بخانه‌هایشان میفرستادند اما چندسالی است که دیگر از آن دوره های طلائی اثری دیده نمیشود و عده تماشاچیان فیلمهای فرانسه درخود فرانسه وسایر کشورها روبه نقصان گذارده است باوجود این سینمای فرانسه هنوزنتوانسته است موجودیت خودرا در مقابل حمله شدید محصولات آمریکائی و خطر کشنده فیلمهای ایتالیائی حفظ کند . سینمای فرانسه اگر هنرپیشگانی مثل گاری کوپر و بینك کراسبی نداشته باشد درعوض بازیکنان هنرمندی مانند ژان گابن و ژرار فیلیپ دارد . فرناندل نه‌تنها هنوز آن محبوبیت اولیه‌را حفظ کرده بلکه‌میان آمریکائیها و ایتالیائیها نیز هوا خواهان بیشماری پیدا کرده است چنانکه اکنون برای سه کشور آمریکا ، فرانسه وایتالیا فیلم بازی می کند . ایتالیائیها به سیلوانا منگانو و - جینالولوبریجیدا و آمریکائیها به مریلین مونرو وریتاهیورث میتازند امادرمقابل، فرانسویهاستارگانی‌مثل «مارتین کارول» و «تیلداتامار» دارند. فیلم «کارولین‌شری» باشتراك مارتین کارول و «کسولی سفید» باشرکت تیلدا تامار هرکدام معرف این هستند که محصولات پرحادثه ورنگی نیز می‌توان در فرانسه تهیه کرد . شایدبتوان

مارتین کارول

گفت که این ستارگان هنری ندارند و فقط صاحب بدنی‌زیبا وچهره‌ای دل‌انگیز هستند اما درباره هنر غیر قابل انکار (ادویژ فوبیر)،(میشل مورگان) ،(دانیل دولرم) و (سیمون‌سینیوره)چه‌میگوئید؟ آواز(تینوروسی)، (لوئیس ماریانو) و (ژرژ گناری) هنوز گرم‌وفرحبخش است . بازی شارل بوایه ، دانیل‌داریو ، آرلتی، پیرفره نه ، شارل وابل ، ژان ماره و دانیل ژلن اگر عالی نباشد خیلی‌خوب است ... اینها هنر پیشگانی هستند که سینمای فرانسه را سراپا نگهداشته‌اند کارگردانان معروف فرانسه از قبیل : آندره کایات ، ایوآلگره، کریستیان‌ژاك، هانری کالف ، مارسل کارنه ، ریشاربوتیه، ژولین‌دوویویه، کلوداوتان‌لارا، رنه کلمان، ژان‌ژاك کلوزو، مارسل‌لربیه ، رنه کلر وژان‌رنوار، نماینده هنرشکوفان و عمیق این‌ملت هنرمند وهنر دوست هستند و آثارآنان اگردرایران ناشناس مانده،در درفرانسه وسایر نقاط دنیاهرفردعلاقمندبه‌سینما آنهارا می‌شناسد .

میگویند ستاره‌اقبال سینمای فرانسه درحال افول است ومحصولات آن روز بروز کمتر میشود اما بدنیست بدانید که در سال ۱۹۵۱ استودیوهای فرانسه ۱۰۷ فیلم‌تهیه کردند واین رقم‌درسال۱۹۵۳به ۲۰ صعود کرد که صدی‌ده آن محصولات رنگی بود .درسال۱۹۵۳رویهمرفته ۳۶۰ میلیون نفر بلیط سینما خریده و دو فیلم « فانفان‌لاتولیپ » و « دنیای کوچك دون‌کامیلو» به‌ترتیب ۱۲۵ و۱۴۵میلیون فرانك فروش داشته‌اند .

این‌ارقام‌سرسام‌آور نمودار این‌است که فیلمهای فرانسه ازلحاظ تجارتی‌جالب وامیدوارانه‌هستند اما از لحاظ هنری... فیلم «مزدوحشت» درسال ۱۹۵۲جائزه اول‌فستیوال بین‌المللی کان را ربودوبعضی دیگرازمحصولات‌فرانسوی درسال گذشته وامسال نیزجوائزی‌بدست‌آوردند.

محصولات جدید سینمای فرانسه به نسبت زیادی‌باآثار سازندگان قبلی‌تفاوت زیادی دارد . ساشاگیتری فیلم (اگر سرگذشت ورسای برای‌من تعریف میشد) رادرحالی ساخت که میدانست اثراومورد پسندمردم قرار خواهد گرفت وحق‌هم با اوبود . درفیلم (قبل ازطوفان) مسئله بی بند وباری جوانان ومسائل جنسی بین

ژرارفیلیپ — دانیل‌دوارروم — ژان‌گابن — ادویژفوبیر

عکس هفته ... « وراالن » که تا کنون چندین بار اورا روی پرده سینماهای تهران دیده‌ایم ودر آینده نزدیك نیز فیلم « درشهر » اورانشان خواهند داد

دختران و پسران مورد بحث قرار گرفته است (خانم ناشناس) اثر (ماکس افولس) باشتراك شارل بوایه ، ویتوریو دسیکاو دانیل داریو ، دلیل دیگری است که درام های تاریخی محبوبیت خودرا هنوز ازدست نداده‌اند . (مادموازل نیتوش) باشتراك فرناندل وپیر آنجلی درمیان فیلمهای کمدی جای خوبی برای خود باز کرده است . کریستیان ژاك اکنون فیلم (مادام دوباری) را باشرکت مارتین کارول تهیه میکند و مسلما مثل سایر آثاراو موردتوجه قرارخواهد گرفت . رویهمرفته سینمای فرانسه جان تازه‌ای در بدنش حلول کرده و بازهم خواهد توانست مثل سابق از هر لحاظ حیثیت فرانسه رادرخارج از آنکشور حفظ کند.

بزودی
بزودی

سینما کریستال — سینما دیانا

عالیترین درام مهیج پرحادثه از زندگی جویندگان معادن طلای آمریکا درقرن گذشته

رسوا کنندگان - تمام رنگی

باشتراك: جرج مونتگمری - کارین بوت
محصول کمپانی معظم کلمبیا